

## Reframing Water Security Components

H. Mianabadi<sup>1\*</sup> and S.Z. Ghoreishy<sup>2</sup>

### Abstract

The importance of policy making in achieving "water security" on the one hand and complexity of human and water security, on the other hand, have raised the necessity of a comprehensive understanding of the "water security" concept as the first and one of the most significant steps of water policy making process. So far, most of the analyzes related to water security and water policy making have been limited to the development of objective dimensions. To address this limitation, this article tries to redefine the concept of water security with fundamental-theoretical research, using the descriptive-analytical method. Results showed that in addition to the objective dimensions, it is necessary to pay attention to social, political, and cross-sectoral dimensions. Accordingly, this paper reframes the components of water security with consideration, 1) constructed identities in water relations, 2) the importance of the ideology of stakeholders, 3) identifying securitization and desecuritization of water projects and taking actions against associated politicizing, and 4) the importance of water-food-energy nexus.

**Keywords:** Identity, Ideology, Securitization, Desecuritization, Water-Food-Energy Nexus.

Received: December 18, 2020

Accepted: May 25, 2021

## بازتعریف مؤلفه‌های امنیت آبی

حجت میان‌آبادی<sup>۱\*</sup> و سیده زهرا قریشی<sup>۲</sup>

### چکیده

اهمیت سیاست‌گذاری در حوزه «امنیت آبی» از یک‌سو و درهم‌تنیدگی امنیت انسانی و آبی از سوی دیگر، سبب شده است که درک و شناخت جامع و صحیح از مفهوم «امنیت آبی» به‌عنوان اولین و یکی از مهم‌ترین مراحل فرایند سیاست‌گذاری آبی از ضرورت جدی برخوردار باشد. تاکنون عمده تحلیل‌های صورت گرفته مربوط به امنیت آبی و سیاست‌گذاری کلان در این حوزه، تنها به تدوین شاخص‌های عینی محدود شده‌اند. برای پاسخ به این ضرورت، این مقاله تلاش دارد با مرور مطالعات صورت گرفته در حوزه امنیت و با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی و استناد به منابع کتابخانه‌ای به بازتعریف مؤلفه‌های امنیت آبی و جهت‌دهی صحیح به سیاست‌گذاری در این حوزه بپردازد. نتایج این مطالعه نشان می‌دهند که نیل به امنیت آبی در گرو لحاظ کردن ابعاد اجتماعی-سیاسی-فرابخشی در کنار ابعاد عینی در سیاست‌گذاری آبی است و تبیین مؤلفه‌های امنیت آبی، نیازمند شناخت و درک توأمان ماهیت مفهوم «امنیت» و ذات منابع «آبی» است. بر این اساس، مقاله حاضر به بازتعریف مؤلفه‌های امنیت آبی با مد نظر قرار دادن: (۱) هویت‌های برسازنده و شکل‌دهنده به مناسبات آبی؛ (۲) خواسته‌ها، داشته‌ها و ضریب ایدئولوژی ذی‌مدخلان؛ (۳) فرایند امنیتی‌سازی یا امنیتی‌زدایی شدن طرح‌ها و اقدامات آبی برای جلوگیری از سیاسی شدن آن‌ها و (۴) همبست آبی-غذا-انرژی می‌پردازد.

**کلمات کلیدی:** هویت، ایدئولوژی، امنیتی‌سازی، امنیتی‌زدایی، همبست آبی-غذا-انرژی.

تاریخ دریافت مقاله: ۹۹/۹/۲۸

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۰/۳/۴

1- Assistant Professor, Department of Water Engineering and Management, Tarbiat Modares University, VardAvard, Tehran, Iran. E-mail: Hmianabadi@modares.ac.ir

2- M.Sc. Graduate of Water Management, University of Tehran, Karaj, Alborz, Iran. E-mail: Zghoreishy@ut.ac.ir

\*- Corresponding Author

Dor: [20.1001.1.17352347.1400.17.1.15.6](https://doi.org/10.1001.1.17352347.1400.17.1.15.6)

۱- استادیار گروه مهندسی و مدیریت آب، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، وردآورد، دانشکده کشاورزی دانشگاه تربیت مدرس. کدپستی: ۱۳۱۱۱-۱۴۹۷۷، تلفن تماس: ۰۲۱۴۸۲۹۲۴۷۳.

۲- دانش‌آموخته کارشناسی ارشد مدیریت منابع آب، دانشگاه تهران، کرج، البرز، ایران. کدپستی: ۳۱۵۸۷-۷۷۸۷۱.

\*- نویسنده مسئول

بحث و مناظره (Discussion) در مورد این مقاله تا پایان تابستان ۱۴۰۰ امکانپذیر است.

عکس این نسبت نیز برقرار است. بدین نحو که ضعف درونی موجب می‌شود پدیده‌های ساده و معمول خارجی، برای بازیگران تبدیل به تهدیدی بزرگ شوند (Eftekhari, 2013).

با توجه به نگرش‌های مختلف به مفهوم امنیت، تدوین چستی «امنیت آبی» و آشنایی با ریشه نگرش‌های موجود با هدف رفع نواقص آن ضروری است. اولین تعریف ارائه شده از «امنیت آبی» به گزارش سال ۱۹۹۶م سازمان خواروبار جهانی<sup>۱</sup> نسبت داده شده است (FAO, 1996) و پس از آن، تعاریف متعددی از امنیت آبی وارد مباحث علمی و عرصه سیاست‌گذاری شده است (Gerlak et al., 2018) که در ادامه به برخی از مهم‌ترین آنها اشاره می‌شوند (Zekri, 2017):

- میزان دسترسی<sup>۱۱</sup> مطمئن هر فرد به آب کافی با نرخ معقول و قابل پرداخت به منظور داشتن زندگی بهداشتی، سالم و مفید بطوری که محیط‌زیست محافظت شود (GWP, 2000);

- دسترسی به آبی که به لحاظ سلامتی، معیشت، اکوسیستم و تولیدات کشاورزی دارای کمیت و کیفیت قابل قبول باشد و اثر مخاطرات آبی در ارتباط با مردم، محیط‌زیست و اقتصاد نیز مدیریت شوند (Greya and Sadoff, 2007);

- وجود سطح قابل قبولی از خطرات آبی برای انسان و اکوسیستم، به همراه دسترسی به آب کافی و با کیفیت به منظور حمایت از معیشت، امنیت ملی، سلامت انسان و اکوسیستم (Bakker, 2010);

- دسترسی مطمئن به آبی که از لحاظ کمی و کیفی رضایت‌بخش بوده و برای رفع نیازهای ضروری بشر، امرار معاش و خدمات محلی زیست‌بوم قابل تأمین باشد و مخاطرات آبی نیز به خوبی مدیریت شود (WaterAid, 2012);

- ظرفیتی از جامعه در دستیابی پایدار به مقدار آب کافی با کیفیت قابل قبول برای تداوم معاش، رفاه و توسعه اقتصادی-اجتماعی با حصول اطمینان از توانایی مقابله با مخاطرات آبی و نیز حفاظت از زیست‌بومها در شرایطی که صلح و ثبات سیاسی برقرار شود (UN-Water, 2012);

- ظرفیت یک جمعیت برای حفاظت از دسترسی به مقدار آب کافی با کیفیت قابل قبول برای پایداری سلامت انسان و اکوسیستم بر اساس یک حوضه آبخیز و اطمینان از حفاظت کارآمد از جان و مال در برابر خطراتی نظیر سیلاب، زمین‌لرزه، فرونشست و خشکسالی (UNESCO-IHP, 2017);

- دسترسی مطمئن به میزان قابل قبول کمی و کیفی آب برای تولید، حیات و سلامتی که همراه با سطح قابل قبول ریسکی که تأثیرات غیرقابل پیش‌بینی مرتبط با آب را در جامعه داراست (Zargarpour and Nourzad, 2010).

محور اصلی ایده علوم سیاست‌گذاری، مسأله‌محوری<sup>۱</sup> است و شناخت مسأله<sup>۲</sup> و تعریف صحیح آن، هسته محوری مطالعات فرایند سیاست‌گذاری است (Smith and Larimer, 2018). بررسی و تحلیل مفهوم «امنیت» یکی از موضوعات اساسی و قابل توجه اندیشمندان حوزه علوم سیاسی و امنیتی، علوم اجتماعی، علوم طبیعی، هیدروپلیتیک<sup>۳</sup> و سیاست‌گذاری بوده است. علاوه بر این، از آنجایی که امنیت در بخش‌های مختلف انسانی از جمله امنیت اجتماعی، اقتصادی و زیست‌محیطی بطور مستقیم و غیرمستقیم تحت تأثیر «امنیت آب» قرار دارد، شناخت جامع و صحیح از مسأله و مفهوم «امنیت آب» برای نیل به سیاست‌گذاری پایدار در این حوزه از اهمیت بسزایی برخوردار است. شناخت ماهیت «امنیت» بطور عام و «امنیت آب» بطور خاص، اولین گام برای سیاست‌گذاری در این حوزه و نیل به امنیت آبی است. این شناخت برای انتخاب پارادایم‌ها و رویکردهای مناسب سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی و همچنین آسیب‌شناسی سیاست‌گذاری گذشته و حال آب و محیط‌زیست در کشور بسیار مؤثر است.

امنیت از حیث لغوی برابر security و «الامن» است که معادل «ایمن شدن» و «در امان بودن» است. برخلاف معنای لغوی امنیت، در تبیین معنای اصطلاحی آن اجماع نظری وجود ندارد. به دلیل نقص هر رویکرد در شناخت جامع از امنیت، درک مفهوم امنیت نیازمند فرآپارادایمی اندیشیدن<sup>۴</sup> است زیرا هر رویکرد، تنها از زاویه‌ای خاص به این مهم می‌نگرد و انتخاب هر رویکرد می‌تواند اثری جدی بر تبیین راهبردها و سیاست‌های نیل به امنیت داشته باشد. (Eftekhari (2013) دو گفتمان سلبی<sup>۵</sup> و ایجابی<sup>۶</sup> را برای تعریف مفهوم امنیت بر شمرده است. در گفتمان سلبی، امنیت معادل نبود «تهدید»<sup>۷</sup> تعریف شده است. در این گفتمان، تهدید به مخاطره افتادن منافع<sup>۸</sup> بازیگر تعریف می‌شود. بر این اساس، طبق این گفتمان امنیت به وضعیتی اطلاق می‌شود که در آن نسبت به منافع بازیگر یا تهدیدی وجود نداشته باشد یا در صورت وجود، امکان مدیریت مؤثر آن تهدید برای بازیگر مورد تهدید واقع شده باشد. اما در گفتمان ایجابی، امنیت وضعیتی است که «حس رضایت» را برای ذی‌مدخلان<sup>۹</sup> به همراه دارد. تهدید در این گفتمان مبتنی بر «آسیب» است و آسیب حد نسبت خواسته‌ها و داشته‌های بازیگران است (Eftekhari, 2013). واضح است که نگرش ایجابی، تحولی ماهوی نسبت به مفهوم تهدید داشته است؛ زیرا در این نگرش، تهدید وجود مستقل و خارجی ندارد؛ بلکه این بازیگران هستند که به پدیده‌ای عنوان تهدید یا فرصت می‌دهند. به‌طور کلی، آسیب مسأله‌ای داخلی و تهدید مسأله‌ای خارج از سیستم است که به هر سیستم وارد می‌شود. بر این اساس، نیاز است وضعیت داخلی سیستم تقویت شود تا پدیده بیرونی به آن نسبت تضعیف شده و در کنترل بازیگران قرار گیرد.

بررسی تعریف‌های صورت گرفته نشان می‌دهد که این تعاریف بطور عمده برگرفته از گفتمان سلبی امنیت هستند زیرا امنیت آبی را در نبود تهدیدهای صرفاً عینی<sup>۱۲</sup> و شاخص‌های فنی مانند کمیت مناسب، سطح کیفیت قابل قبول، شاخص دسترسی به منبع آب در زمان مناسب، حجم آب لازم برای اکوسیستم‌ها و جریان‌های زیست‌محیطی، شاخص عرضه پایدار و قابل اعتماد آب، شاخص عرضه با قیمت مناسب، شاخص مناسب برای فقدان خطر و ریسک و شاخص مناسب برای بهبود شرایط اقتصادی تعریف کرده‌اند (Gerlak et al., 2018). در این تعاریف، تأکید بر ارائه و تعریف «شاخص»هایی برای دستیابی به امنیت آبی بوده است که در پی آن سیاست‌گذاران صرفاً درصد کاهش تهدیدهای عینی هستند. این در حالی است که ارائه شاخص‌های صرفاً عینی و کمی قابلیت تبیین امنیت آبی را ندارد (Sadoff et al., 2020) زیرا معرفی شاخص‌های صرفاً عینی و کمی نمی‌تواند منعکس‌کننده برداشت، درک و خواسته جوامع ذی‌مدخل و همچنین کارگزاران<sup>۱۳</sup> آن باشد و شاخص‌ها از مکانی به مکان دیگر متفاوت‌اند. بر این اساس، در این پژوهش تعاریف تشریح شده فوق از امنیت آبی - که وجود امنیت را در نبود تهدیدات عینی معرفی کرده‌اند و به تبع برای رفع تهدیدهای عینی شاخص‌هایی نیز معرفی نموده‌اند - در «بعد عینی» امنیت آبی قرار می‌گیرند. از آنجا که تکیه صرف بر شاخص‌های بُعد عینی برای تبیین امنیت آبی کافی نیست و نمی‌تواند شاخص‌های گفتمان ایجابی امنیت را منعکس کنند، ضروری است تعریف جامع‌تر از امنیت آبی ارائه شود و در تعریف سنتی این مفهوم بازتعریف صورت گیرد. برای دستیابی به این هدف و بازتعریف مفهوم امنیت آبی، در این پژوهش ابعاد مختلف الزامی برای نیل به امنیت آب تحلیل و بررسی می‌گردند. بر این اساس، اولین شکاف موجود در سیاست‌گذاری برای نیل به امنیت آبی غفلت از «بعد اجتماعی» است. توجه به این بُعد برای سیاست‌گذاری آب و محیط‌زیست اهمیت بسزایی دارد و عدم توجه به آن می‌تواند منجر به تغییرات و دگرگونی اجتماعی شود و تبعات اقتصادی، سیاسی و زیست‌محیطی به همراه داشته باشد (Mirhashemi Dehkordi et al., 2021a).

از سوی دیگر، توجه به این نکته حائز اهمیت است که زمانی که واژه امنیت به آب افزوده می‌شود، نگرانی‌هایی در خصوص شکل‌گیری جریان‌هایی با هدف امنیتی‌سازی<sup>۱۴</sup> از طرح‌های آبی به وجود می‌آید. امنیتی‌سازی به معنای خارج نمودن عمده پدیده‌ها از حوزه سیاست عادی و وارد کردن آن‌ها به حوزه امنیتی است تا بدین ترتیب بتوان مسئله‌ای را تهدیدآمیز معرفی کرد و به تبع آن و با توجه به شرایط اضطراری و فوری معرفی شده، قوانین عادی تعلیق شود و اختیارات فراقانونی برای مواجهه با پدیده مورد نظر اخذ شود. از این رو، برای مواجهه و تبیین امنیت آبی ضروری است به «بعد سیاسی» پیرامون

این مسائل توجه ویژه شود. بُعد سیاسی امنیت آبی تا پیش از این در تدوین سیاست‌گذاری‌های آب و محیط‌زیست مغفول مانده بود. در این پژوهش تلاش شده است تا ابعاد مختلف بُعد سیاسی امنیت آبی برای جبران شکاف دوم در سیاست‌گذاری برای نیل به امنیت آب و محیط‌زیست معرفی شود. عدم توجه به بُعد سیاسی امنیت آبی می‌تواند آب را به ابزاری برای پیشبرد اهداف سیاسی، فرصت‌سازی<sup>۱۵</sup> و ملی‌سازی<sup>۱۶</sup> مبدل نماید و مانع از کارکرد حقیقی آب برای تأمین امنیت آبی و نیازهای بشر و اکوسیستم شود. غفلت از بُعد سیاسی در نهایت می‌تواند آب را به ابزاری برای کسب قدرت عده‌ای قدرتمند تبدیل کند.

شکاف سوم در سیاست‌گذاری امنیت آبی، عدم توجه به «ماهیت منابع آب» است. آب به مثابه اکوسیستم جفت‌شده طبیعی-انسانی<sup>۱۷</sup>، با مدیریت غذا، انرژی و اقلیم در ارتباط مستقیم است. منابع آبی اندرکنش مستقیم با بخش‌های مختلف دارند و شناخت تعاملات غیرقابل پیش‌بینی، پویا و بازخوردهای متعدد بین بخش‌های مختلف با منابع آب برای تأمین امنیت آبی الزامی است. این مهم در کنار نیازهای رو به تزايد و میل شدید به توسعه‌یافتگی در بشر، ضرورت توجه بیشتر به همبست<sup>۱۸</sup> آب- غذا- انرژی به صورت کلی و همبست امنیت آب- امنیت غذا- امنیت انرژی را پر رنگ‌تر کرده است (Weitz et al., 2017). لذا توجه به همبست آب- غذا- انرژی نیز برای نیل به امنیت آبی حائز اهمیت است. برای جبران این شکاف سیاست‌گذاری، در این پژوهش «بعد فرابخشی» برای نیل به امنیت آبی معرفی می‌شود. به همین دلیل برای سیاست‌گذاری‌های کلان و رسیدگی به (و نه لزوماً حل) مسائل درهم‌تنیده آب و محیط‌زیست، اتخاذ نگرشی جامع که بتواند ابعاد متفاوت برای نیل به امنیت آب در سیاست‌گذاری‌ها را مد نظر قرار دهد و به بازتعریف فرایند سیاست‌گذاری امنیت آب بپردازد، ضروری است.

به صورت کلی در این مقاله نشان داده خواهد شد که برای نیل به امنیت در سیاست‌گذاری حوزه آب، نیاز است علاوه بر بُعد عینی (برگرفته از گفتمان سلبی)، بُعد اجتماعی (برگرفته از گفتمان ایجابی) برای تبیین حس رضایت ذی‌مدخلان و بهره‌برداران منابع آبی، «بعد سیاسی» به دلیل درهم‌تنیدگی آب و سیاست<sup>۱۹</sup> (Ghoreishi et al., 2010; Iyob, 2019) و «بعد فرابخشی» به سبب وجود همبست آب- غذا- انرژی توجه شود. تبیین مؤلفه‌های امنیت آبی در ذیل ابعاد چهارگانه «عینی- اجتماعی- سیاسی- فرابخشی» می‌تواند از ورود موضوعات سلیقه‌ای به مجامع سیاست‌گذاری جلوگیری کند. به بیان دیگر، تبیین مؤلفه‌های امنیت بر اساس ابعاد چهارگانه معرفی شده از آن جهت ضروری است که می‌تواند به جهت‌دهی صحیح

سیاست‌گذاری در این حوزه کمک جدی کند تا نهادهای سیاست‌گذاری مسیر صحیح نیل به امنیت آبی را طراحی و اجرا کنند.

برای دستیابی به هدف مذکور، این پژوهش با مرور مطالعات صورت گرفته در حوزه امنیت و با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی و با استناد به منابع کتابخانه‌ای در تلاش است تا ابعاد اجتماعی، سیاسی و فرابخشی را برای رفع محدودیت‌های ناشی از تمرکز صرف بر بُعد عینی در سیاست‌گذاری منابع آب واکاوی کند. در نهایت، مؤلفه‌های لازم برای بازتعریف امنیت آبی برای سیاست‌گذاری آب و محیط‌زیست ارائه می‌شوند.

## ۲- بُعد اجتماعی امنیت آبی

برای تشریح امنیت آبی در بُعد اجتماعی ابتدا ضروری است نظریه برساخت‌گرایی<sup>۲۰</sup> که نظریه اجتماعی علوم سیاسی است و به تبیین امنیت از منظر اجتماعی می‌پردازد، بررسی شود. نظریه برساخت‌گرایی در صدد تبیین نقش و اثر عوامل فرهنگی و اجتماعی بر سیاست است و با تأکید بر نقش عنصر هویت و منافع، تلاش دارد نواقص نظریات پیش از خود در علوم سیاسی و مطالعات امنیتی را جبران کند (Darabi, 2015). این نظریه پیش از طرح در علوم سیاسی، در جامعه‌شناسی مطرح بوده است و از اواخر دهه ۱۹۸۰ و اوایل دهه ۱۹۹۰ میلادی به یکی از نظریه‌های اصلی علوم سیاسی تبدیل شده است که توانسته است نظریات جریان اصلی (به ویژه نظریات پارادایم رئالیسم) را به چالش بکشد (Darabi, 2015).

برساخت‌گرایان در صدد آن هستند که نشان دهند «منافع هر ذی‌مدخل» لزوماً از عینیات مشتق نشده، بلکه محصول تعاملات اجتماعی<sup>۲۱</sup> و برساخته اجتماعی<sup>۲۲</sup> است و با رویکرد میانه‌ای به عوامل غیرمادی<sup>۲۳</sup> (از جمله ایدئولوژی<sup>۲۴</sup>، ارزش<sup>۲۵</sup>، هنجار<sup>۲۶</sup>، هویت<sup>۲۷</sup> و فرهنگ<sup>۲۸</sup>) در کنار عوامل مادی (از جمله قدرت<sup>۲۹</sup>، منافع و نهاد<sup>۳۰</sup>) توجه دارد و از این منظر رفتار بازیگران را در عرصه سیاست تبیین می‌کند (Shafiee and Rezaei, 2012). آنها همچنین تلاش دارند تا چگونگی شکل‌گیری و تأثیرگذاری هویت‌ها بر عرصه سیاست که تا پیش از آن کمتر مورد توجه نظریه‌پردازان بود را در کانون مباحث تحلیلی سیاست قرار دهند.

بطور کلی، برساخت‌گرایان معتقدند به دلیل اهمیت ارزش‌ها، هنجارها و هویت‌ها، رفتار بازیگران تابع آن چیزی که فکر می‌کنند و مناسب تشخیص می‌دهند، است و نه آنچه که صرفاً قدرت و توان انجام آن را دارند (Abdollahkhani, 2006). تأکید برساخت‌گرایان آن است که واقعیت<sup>۳۱</sup> به وسیله تفکر یا گفت‌وگو درباره آن، اجماع نظر در خصوص

آن یا تلقین آن به یکدیگر «ساخته» می‌شوند و شکل می‌گیرد. به عبارت دیگر، تأکید برساخت‌گرایان آن است که واقعیت آن چیزی است که برساخته می‌شود و این تعاملات<sup>۳۲</sup> انسانی هستند که به واقعیت‌های اجتماعی شکل می‌دهند و در نهایت خود کنشگران بر مبنای واقعیت‌های منتسب شده به مسائل مختلف، عمل می‌کنند. بر این اساس، برساخت‌گرایان معتقدند که با تأثیرگذاری بر ایدئولوژی، ارزش‌ها، هنجارها و هویت‌ها و در نهایت با تغییر فهم مشترک از واقعیت‌ها، می‌توان بر روند تحلیل و سپس وقوع وقایع اثر گذاشت (Keyvan Hosseini and Emam Jome Zadeh, 2013).

به طور کلی برساخت‌گرایان، مسأله را آنچه پیش‌رو است یا به عبارت دیگر، شرایط عینی پیش‌رو، نمی‌دانند بلکه معتقدند تلقی و نگرش افراد از مسائل حائز اهمیت است و روابط میان بازیگران بر سر مسائل گوناگون، بر اساس معنایی که آنها به یکدیگر نسبت می‌دهند، شکل می‌گیرد (Tork Ladani and Moradi, 2015). به این دلیل زمانی که صحبت از «امنیت» به میان می‌آید ناخودآگاه افراد تلقی‌های متفاوتی از این مقوله خواهند داشت و گاهی ممکن است که علیرغم مطلوب بودن شاخص‌های امنیتی، به‌نوعی شاهد احساس عدم امنیت در میان افراد وجود داشته باشد (Shab Azar et al., 2017). بر این اساس، احساس امنیت بیشتر احساس درونی و روانی است (Rezadoust et al., 2015). علاوه بر حسی بودن مفهوم امنیت، امنیت مفهوم نسبی نیز است که می‌تواند از نگاه هر فرد یا بازیگر برداشت متفاوتی از آن صورت پذیرد.

بر این اساس، برساخت‌گرایان نگاه اجتماعی به امنیت دارند و سرچشمه امنیت و ناامنی را در نحوه تفکر و ایدئولوژی بازیگران نسبت به پدیده‌ها و موضوعات، خصوصاً منافع و تهدیدات می‌دانند. آنها معتقدند امنیت مفهومی برساخته و مبتنی بر ایدئولوژی، ارزش‌ها، هنجارها و هویت‌ها است. با توجه به تأکید برساخت‌گرایان به نقش محوری ارزش‌ها، هنجارها و همچنین ساخت وقایع و اهمیت هویت‌ها، این پارادایم، تحلیلی کیفی از مفهوم امنیت ارائه می‌کند (Bahoosh Baradghi, 2017). برساخت‌گرایان ساختارهای سیاست را ساخته و پرداخته ساختارهای اجتماعی می‌دانند و معتقدند تغییر تفکر در خصوص روابط بین بازیگران می‌تواند منجر به تغییر وضعیت امنیت و بهبود آن شود. این بدان معناست که چنانچه تفکر ما تغییر کند، وضعیت امنیتی ما نیز تغییر خواهد کرد (Farokhi and Abbasi Ashlaghi, 2009). از آن‌رو که امنیت با هویت، هنجارها و ارزش‌ها در ارتباط است، لذا تهدید علیه هویت، هنجارها و ارزش‌ها، تهدید علیه امنیت محسوب می‌شود که این مسأله می‌تواند بازیگران را به رویارویی علیه یکدیگر سوق دهد. بر این اساس، برساخت‌گرایان، امنیت را پدیده‌ای ذهنی و

نسبی می‌دانند و تعریف واحد و مطلق برای امنیت ارائه نمی‌دهند (Bahoosh Baradghi, 2017). درک مفهوم امنیت در هر جامعه‌ای، بستگی به ارتباط متقابل کنشگران امنیتی و ساختارهای اجتماعی دارد و تا اندازه زیادی وابسته به عوامل غیرمادی مانند هنجارها، هویت‌ها، فرهنگ‌ها و اندیشه‌هاست. در نتیجه، در بسترهای مختلف اجتماعی ممکن است که ادراک‌های متفاوتی در باب امنیت وجود داشته باشد (Zarezadeh Abarghoei, 2017).

به عنوان نمونه، تبیین شرایط حوضه آبریز رودخانه نیل می‌تواند مفید باشد. حوضه آبریز رودخانه نیل یکی از پرتنش‌ترین حوضه‌های آبریز فرامرزی در دنیاست که سطح مناقشات کشورهای ساحلی حتی به تهدیدهای نظامی نیز رسیده است. درگیری‌ها و ناراضی‌های این حوضه باعث شده است که ذی‌مدخلان آن، از امنیت آبی پایینی برخوردار باشند؛ زیرا علاوه بر مسأله تسهیم آب، تضادهای فرهنگی و اجتماعی یازده کشور ساحلی این حوضه آبریز به ویژه مصر، سودان و اتیوپی - که هر یک در صدد هویت‌خواهی به واسطه منابع آبی این حوضه بوده‌اند - منجر به شکل‌گیری مناقشات شدید در این حوضه آبریز شده است (Terje, 2009). این درحالی است طبق شاخص‌های بین‌المللی منتشر شده، کشورهای ساحلی حوضه آبریز نیل از تنش آبی<sup>۳۳</sup> نسبتاً کمی برخوردارند (Gassert et al., 2013). بنابر مطالعات صورت گرفته، با در نظر گرفتن مقیاس ۱ تا ۵ و با اختصاص عدد ۵ به بیشترین سطح تنش آبی، این شاخص در کشور سودان جنوبی صفر، سودان ۰/۹، اتیوپی ۰/۶ و مصر ۱/۳ است (Gassert et al., 2013). اما در عمل منطقه، شاهد عدم رضایت کشورهای حوضه آبریز نیل از وضعیت منابع آبی و بطور کلی احساس عدم وجود امنیت آبی است. به عبارت دیگر، این شاخص‌ها نسبت به بُعد اجتماعی امنیت و حس رضایت ذی‌مدخلان بی‌توجه بوده‌اند. بر این اساس، توجه به بُعد

اجتماعی امنیت آبی در سیاست‌گذاری‌ها نقش بسزایی دارد و برای ورود به ابعاد مختلف این بُعد، بررسی دو مؤلفه هویت و ایدئولوژی در مسائل آب حائز اهمیت است.

## ۲-۱- بُعد اجتماعی: تبیین مؤلفه هویت در سیاست‌های آب

همانطور که قبلاً اشاره شد نظریه برساخت‌گرایی بر آن است تا اهمیت «ایدئولوژی، ارزش‌ها، هنجارها و هویت‌ها» را در شکل‌گیری «منافع» و «سیاست‌ها» تفسیر کند (شکل ۱) و راهی برای شناخت آن در مسائل مختلف ارائه نماید تا نشان دهد چگونه فرهنگ، تاریخ، هنجار، رویه‌ها و ارزش‌های مشترک و سایر همبستگی‌های بین‌الذهانی<sup>۳۴</sup> یک به یک در تفسیر، تدوین و طراحی منافع و سیاست‌ها نقش دارند (Hopf, 2002). در شکل ۱ نحوه اثرگذاری متقابل ساختار، هویت، منافع و سیاست بر یکدیگر ارائه شده است. همانطور که در شکل مذکور مشخص است منافع هر بازیگر اکتساب شده<sup>۳۵</sup> نیست، بلکه در اثر تعامل با «ساختارهای محیطی» و «هویت‌ها» شکل می‌گیرد.

با توجه به شکل ۱ مشخص است که ساختار، هویت، سیاست و منافع بر یکدیگر اثرگذار هستند. ساختار به عنوان یک مفهوم تخصصی در علوم اجتماعی تعابیر متفاوتی دارد. (Wight (2006) چهار تعبیر متفاوت از مفهوم ساختار را شناسایی و ارائه کرد: ۱- الگوهای رفتار جمعی و رفتارهای تکراری که در طول زمان پایدار می‌شوند؛ ۲- تنظیمات قانون‌مانند<sup>۳۶</sup> که بر واقعیت‌های اجتماعی حاکم است؛ ۳- ساختار به عنوان روابط اجتماعی که منافع، هویت‌ها و شیوه‌های گوناگون زندگی و عملکرد را تعریف و تحمیل می‌کنند و ۴- ساختار به معنای فهم بین‌الذهنی و معانی بین‌الذهانی است که واقعیت اجتماعی را برای کارگزاران تعریف می‌کنند و کارگزاران نیز در رفتار خود آنان را بازتاب داده و بازتولید می‌کنند (Wight, 2006).

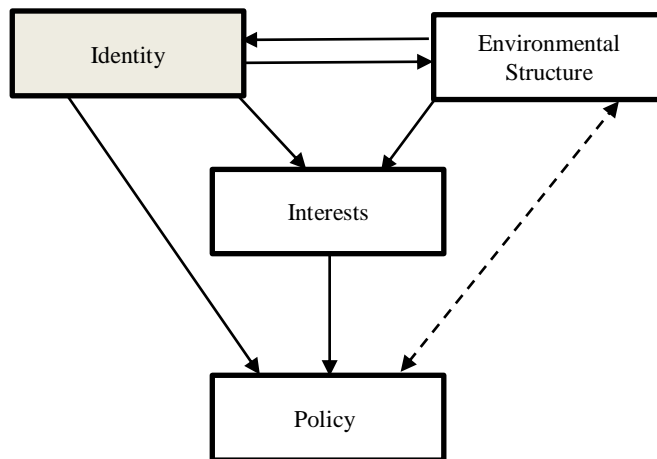


Fig. 1- The interaction of Structure, Identity, Interests and Policy (Jepperson et al., 1996)

شکل ۱- رابطه ساختار، هویت، منافع و سیاست (Jepperson et al., 1996)

بر اساس این تعبیر، سیاست محصول تعامل کارگزار با ساختارهای محیطی است و ساختار و کارگزار به شکلی متقابل به یکدیگر قوام می‌دهند. هر تغییری در ساختارهای محیطی یا تعامل کارگزار با آن، ممکن است منجر به تغییراتی در یکی از ابعاد «هویتی» شده و تعریف جدیدی از منافع و سیاست‌ها را ارائه دهد (شکل ۱) (Mazaheri and Molaei, 2014).

هویت، مرز ما و دیگران است و مفهوم نسبی است که هم تشابه و هم تفاوت را توأمان با یکدیگر در خود دارد (Azad Armaki and Valiki, 2013). هویت‌ها را نمی‌توان به شکلی ماهوی، یعنی جدا از بستر اجتماعی آنها تعریف کرد. آنها ذاتاً اموری رابطه‌ای هستند و باید به عنوان مجموعه‌ای از معانی تلقی شوند که کنشگر با در نظر گرفتن چشم‌انداز دیگران به خود نسبت می‌دهد. هویت‌های اجتماعی، برداشت‌های خاصی از خود را در رابطه با سایر کنشگران نشان می‌دهند و از این طریق منافع خاصی تولید می‌کنند و در نهایت به تصمیمات سیاست‌گذاران شکل می‌دهند. این که «خود» خود را دوست یا دشمن «دیگری» بداند، تفاوت زیادی در تعامل میان کارگزاران، منافع حاصل از تعامل آنها و در نهایت سیاست مدنظر ایجاد خواهد کرد (MoshirZadeh (2004) برگرفته از (Wendt (1994). زیرا هر چه احساس یگانگی کارگزاران نسبت به هم بیشتر باشد، همکاری میان آنها محکم‌تر خواهد بود و بالعکس، هر چه از هم احساس دوری بیشتری داشته باشند، روابط آنها بیشتر به سمت خودمحوری متمایل خواهد شد (Farokhi and Abbasi Ashlaghi, 2009).

شناخت نقش هویت دولت و ملت، در همکاری‌ها و مناقشات آبی برای تبیین سیاست‌های آبی با هدف نیل به امنیت آب بسیار حائز اهمیت است. زیرا یکی از مهم‌ترین عوامل شکل‌دهی به مناسبات آبی، تلقی و نگرش بازیگران نسبت به یکدیگر و هویتی که هر کدام از آنها در این مناسبات برای خود در نظر گرفته‌اند، می‌باشد. این که بازیگران خود را دوست یا دشمن دیگری بداند، تفاوت زیادی در تعامل میان آنها بر سر منابع آبی مشترک ایجاد می‌کند. به همین دلیل، هویت‌های متفاوت، باعث شکل‌دهی به منافع متفاوت در تعاملات آبی می‌شود و در نتیجه، سیاست‌های بعضاً متناقض میان بازیگران بر سر منابع آبی مشترک ایجاد می‌کند. نقش هویت در شکل‌گیری و افزایش/کاهش مناقشات و منازعات آبی امری مسلم و قطعی است. به عنوان مثال، هویت‌های جغرافیایی (نظیر شهر یا استان) و هویت‌های قومی (در بین اقوام مختلف مشترک در یک حوضه آبریز) در مناقشات آبی در مقیاس فروملی و هویت‌های ملی (کشوری) در مناقشات آبی در مقیاس فراملی اثرگذار هستند.

نمونه‌ای از این مهم، هویت کشور مصر در قبال رودخانه نیل است. مصریان ضرب‌المثل معروفی دارند که می‌گویند: «مصر هدیه خدا به نیل و نیل هدیه خدا به مصر است». درهم‌تنیدگی هویت مصر با رودخانه نیل باعث شده است تا اکثر روسای جمهور این کشور واکنشی جدی نسبت به ساخت سد رنسانس توسط اتیوپی بر نیل داشته باشند. برای نمونه، رئیس جمهور وقت مصر در یک سخنرانی رسمی اعلام کرد «که تمام گزینه‌های نظامی برای تخریب سد بر روی میز ما قرار دارد زیرا مصر هدیه خدا به نیل و نیل هدیه خدا به مصر است و اگر یک قطره از آب نیل کم شود جواب ما یک قطره خون خواهد بود» (Ghoreishi et al., 2020, 2019). هویت ایجاد شده در قبال رودخانه زاینده‌رود نیز از دیگر نمونه‌های ملموس است. این رودخانه با هویت ذی‌مدخلان حوضه آبریز زاینده‌رود عجین شده است و نقش برجسته‌ای در بر ساخت هویت آن‌ها در طول تاریخ داشته است. سیر تاریخی و تحولات رخ داده در حوضه آبریز زاینده‌رود منجر به قطعی شدن هویت یکپارچه «زاینده‌رودی» و پیدایش دو هویت واگرا در قالب هویت‌های مختلف از جمله هویت‌های «اصفهان‌ی» و «چهارمحالی» شده است. واگرایی هویت‌های آبی غالب موجود در حوضه آبریز زاینده‌رود سبب وقوع مناقشات و خشونت‌های آبی متعدد در حوضه آبریز زاینده‌رود شده است (Mirhashemi and Dehkordi et al., 2021b).

از این‌رو، مسائل و چالش‌های آبی الزاماً مسائل و چالش‌های عینی و پیش‌روی کارگزاران نیست، بلکه هویت کارگزاران و جوامع پیش‌روی آنهاست که نسبت به هر مسأله‌ای حائز اهمیت است (Szalkai, 2012). مسائل آبی از جمله موضوعاتی هستند که بازیگران و کنشگران در کنار ارزش‌ها، هنجارها و هویت‌ها آن‌ها را می‌سازند و به واقعیت‌های پیرامون آن شکل می‌دهند و در نهایت بر مبنای آن واقعیت بر ساخته شده عمل می‌کنند. بر این اساس، هویت در شکل‌دهی به همکاری/مناقشه نقش اساسی دارد و هویت جمعی و مشترک بر ساخته شده می‌تواند به تقویت روحیه مشارکت میان طرفین درگیر مناقشه بینجامد (Wessels, 2016). زیرا منافع هر بازیگر- در مقیاس بین‌المللی هر دولت- در حوضه آبریز مشترک اکتساب شده نیست؛ بلکه منافع، در تعاملات و بر اساس ساختارها و هویت‌ها بر ساخته و تولید می‌شوند (Wendt, 1999). در درک بر ساخت‌گرایانه از تعاملات، نیاز است «ما» ایجاد شود قبل از آنکه منافع بر آورده شوند (Szalkai, 2012). به همین دلیل، با تأثیرگذاری بر اذهان و تغییر فهم مشترک می‌توان بر روند وقوع وقایع تأثیر گذاشت و به واسطه اثرگذاری بر عوامل ذهنی، گرایش به همکاری را افزایش داد و از مناقشات و حتی درگیری نیز جلوگیری کرد (Keyvan and Hosseini and Emam Jome Zadeh, 2013).

(Szalkai, 2012) در مطالعات خود به بررسی اثرگذاری هویت بر منافع ملی و ارتباط عوامل غیرمادی و بین‌الذنهانی میان کشورهای ساحلی حوضه آبریز مشترک پرداخت. وی در پژوهش خود سه گزاره را با بررسی حوضه آبریز فرامرزی آمودریا<sup>۳۷</sup> بررسی نمود که عبارتند از: ۱- ماهیت مناقشه‌محور<sup>۳۸</sup> یا همکارانه‌محور<sup>۳۹</sup> بودن مسائل آب‌های فرامرزی، نتیجه تغییر معنای منتسب به مسائل در تعاملات و بساخت‌های اجتماعی است؛ ۲- تغییر در وضعیت تعاملات میان کشورهای ساحلی درهم‌آمیخته با تغییر معنای منتسب به آب‌های فرامرزی است و ۳- تغییر در وضعیت تعاملات کشورها با فرایندهای بین‌الذنهانی مرتبط با مفاهیم امنیت ملی و هویت آن‌ها درهم‌آمیخته است (Szalkai, 2012). وی با این نگرش به توجیه مناقشات آبی در آسیای مرکزی پس از فروپاشی اتحاد شوروی پرداخت و نشان داد شکل‌گیری مرزها و به تبع آن ظهور مناسبات سیاسی و قدرت، باعث از بین رفتن هویت مشترک در این منطقه شد و تضاد منافع را بین کشورهای ساحلی به وجود آورد. زیرا پس از فروپاشی اتحاد شوروی، نگرش دولت‌ها نسبت به یکدیگر تغییر کرد و هر یک به دنبال تغییر هویت جمعی زمان اتحاد شوروی و تعریف مناسب از «خود» و «دیگری» برای دولت‌های مستقل‌شده بودند. براین اساس، دوره استقلال کشورها، دوران ساختن هویتی متناسب با منافع هر دولت شد. در طول چنین فرآیندی نقش «دیگری» و رقیب اهمیت یافت. در نتیجه فرآیند ملت‌سازی<sup>۴۰</sup> و دولت‌سازی<sup>۴۱</sup>، این کشورهای تازه استقلال یافته تلاش کردند تا هر یک از منابع خود بیشترین بهره را ببرند که این مسأله باعث بالاگرفتن رقابت برای بهره‌برداری بیشتر از منابع آب و مناقشات گسترده بین آنها شد (Szalkai, 2012). لذا تعاملات پایدار گذشته که در اثر هویت‌های مشترک شکل گرفته بود از بین رفت. تا جایی که تاجیکستان امروزه مسأله ساخت سد راغون بر روی رودخانه آمودریا را مسأله مرگ و زندگی عنوان کرده است (Menga, 2016) و دولت‌مردان تاجیکی بصورت مکرر اعلام کرده‌اند که «ساخت سد راغون وظیفه‌ای مدنی بر وجدان هر فرد وفادار و فداکار است» (Kouzehgar-Kaleji, 2019).

Kalpakian (2000) نیز در پژوهش خود با بررسی و مطالعه آب-مناقشه- هویت در حوضه‌های آبریز سند و دجله و فرات به این نتیجه رسید که هویت، نقش اصلی را در ایجاد مناقشه بر سر آب دارد و هویتی که هر یک از بازیگران برای خود تعریف کرده‌اند می‌تواند عامل شکل‌دهی به مناقشه میان آن‌ها باشد. از این‌رو، وی تأکید دارد که عامل اصلی و منبع درگیری بر سر آب در بسیاری از حوضه‌های آبریز مشترک، مسأله بسیار مهم و مغفول مانده «هویت» است. نتایج این مطالعه نشان داد که مناقشات آبی در حوضه‌های آبریز بین‌المللی، لزوماً حاصل درگیری بر سر آب نیست، بلکه این بازیگران هستند که به

شکل‌دهی مناقشات دامن می‌زنند. او معتقد است که نفت، ثروت، سرزمین و قدرت تماماً در طول تاریخ بهانه‌ای برای مناقشه بوده‌اند و حال آب و محیط‌زیست نیز به این لیست اضافه شده‌اند (Kalpakian, 2000).

بنابر آنچه در این بخش مطرح شد، مشخص است که هویت برساخته شده در اثر تعاملات و مراودات آبی می‌تواند در تعریف منافع و سیاست‌های آبی نیز اثرگذار باشد. این مهم نمایان‌گر اهمیت پررنگ کردن احساس یگانگی ذی‌مدخلان منابع آبی و نسبت به هم در مراودات آبی است و اهمیت محکم‌تر ساختن همکاری میان آنها، پررنگ نمودن مشخصه‌های هویتی و پرهیز از تشدید احساس دوری بیشتری را نمایان می‌سازد. از بین رفتن هویت جمعی در بهره‌برداری از منبع مشترکی مانند آب، همزمان با از بین رفتن سرحدات<sup>۴۲</sup> و شکل‌گیری مرزها<sup>۴۳</sup> عامل مخربی برای از بین رفتن هویت جمعی در بهره‌برداری از منابع آبی مشترک بوده است. نمونه‌های بارز آن فروپاشی اتحاد شوروی و ایجاد کشورهای آسیانه مرکزی در حوضه‌های آبریز دریای آرال، از بین رفتن خراسان بزرگ (بلخ و هرات در افغانستان و طوس، نیشابور و سرخس در ایران و همچنین مرو و ایبورد در ترکمنستان) و همچنین سیستان بزرگ (سیستان ایران، پاکستان و افغانستان) و حوضه بین‌النهرین و دجله و فرات (ترکیه، سوریه و عراق) است.

## ۲-۲- بُعد اجتماعی: تبیین مؤلفه ایدئولوژی در سیاست‌های آب و محیط‌زیست

این بُعد درصدد تبیین بین‌الذنهانی بودن امنیت آب و محیط‌زیست است و در تلاش است تا اهمیت نگاه ذی‌مدخلان را در نیل به امنیت آبی بازتصویر کند. زیرا ملت‌ها و دولت‌ها برای تعریف تهدید، آستانه‌های متفاوتی را مبنا قرار می‌دهند که توجه به آستانه‌های متفاوت نیز بسیار حائز اهمیت است. از آنجایی که ارزش‌ها، هنجارها و هویت افراد، تعیین‌کننده منافع و خواسته‌های آنها است؛ لذا در تعریف امنیت محیط‌زیست و تحلیل وضعیت آن سه مؤلفه بسیار حائز اهمیت است: ۱- خواسته‌ها<sup>۴۴</sup>؛ ۲- داشته‌ها<sup>۴۵</sup> و ۳- ضریب ایدئولوژیک<sup>۴۶</sup> (برگرفته و اصلاح شده از (Eftekhari, 2013)). خواسته‌ها مجموع نیازهای تعریف شده هستند که مطابق با ارزش‌ها، هنجارها و هویت بازیگران در سیاست‌های آب و محیط‌زیست تعریف می‌شوند. داشته‌ها، توان اکولوژیکی محیط‌زیست است که در برخی از مواقع با دستکاری انسان در طبیعت می‌تواند تغییر کند. برای نمونه، طرح‌های انتقال آب و آب شیرین‌کن‌ها می‌توانند منجر به افزایش یا کاهش میزان آب در دسترس شوند. ضریب ایدئولوژیک عبارت است از ارزش‌هایی که جامعه و کارگزاران برای صیانت یا تقویت آنها حاضر به هزینه‌کرد یا چشم‌پوشی

سمت سیاست‌های مولد رضایت اجتماعی باشد، امنیت اجتماعی تر می‌شود (Eftekhari, 2013). لذا توجه به تغییر در هر سه مؤلفه داشته‌ها، خواسته‌ها و ضریب ایدئولوژیک برای نیل به امنیت آبی و زیست‌محیطی حائز اهمیت است و غفلت و عدم توجه به هر یک از این سه مؤلفه می‌تواند عامل تهدیدساز و در نتیجه عامل ایجاد یا تشدید کننده ناامنی باشند. در جدول ۱ کانون تهدیدهای مختلف اشاره شده‌اند.

مصادیق متعددی برای تبیین آسیب‌ها و تهدیدهای حاصل از فاصله خواسته‌ها و داشته‌ها در عرصه مدیریت و سیاست‌گذاری منابع آب وجود دارد. برای نمونه، مدیریت منابع آب در ایران بیش از نیم قرن است که با هدف دستیابی به رفاه اجتماعی، سیاست «مأموریت هیدرولیکی»<sup>۴۷</sup> را در پیش گرفته است (Bakhtiyari et al., 2020). بر اساس این سیاست، زیرساخت‌ها و سازه‌های هیدرولیکی نظیر سدهای مرتفع، طرح‌های انتقال آب و پمپاژ آب از منابع زیرزمینی به عنوان مهم‌ترین نمادهای این تفکر و رویکرد در دستورکار دولت‌ها قرار گرفته است (Ghoreishi et al., 2020). این سیاست توانسته است دسترسی به منابع آب (داشته‌ها) را افزایش دهد. اما نکته مغفول مانده در این سیاست آن است که به تبع افزایش داشته‌ها، خواسته‌های ذی‌مدخلان نیز افزایش می‌یابند. با این تفاوت که توسعه داشته‌ها، بنا بر سیاست مأموریت هیدرولیکی، به صورت محدود افزایش می‌یابند؛ اما خواسته‌های ذی‌مدخلان بصورت نامحدود ممکن است افزایش یابند (ردیف ۳ در جدول ۱).

از خواسته‌هایشان می‌باشند و این ضریب برابر با فاصله داشته‌ها و خواسته‌ها در فاز امنیتی است (شکل ۲). نکته مهم در خصوص فاصله داشته‌ها و خواسته‌ها آنست که زمانی که این فاصله بیشتر بشود و فراتر از ضریب ایدئولوژیک برود، فاصله داشته‌ها و خواسته‌ها تبدیل به آسیب می‌شوند و دیگر ضرورتاً داشته‌ها به تحصیل خواسته‌ها نمی‌انجامند. شکل ۲، جایگاه خواسته‌ها و داشته‌ها را در امنیت محیط‌زیست آب نشان می‌دهد. ذکر این نکته مهم ضروری است که هر چه فاصله خواسته‌ها و داشته‌ها بیشتر باشد، تهدید و آسیب‌پذیری نیز می‌تواند شدیدتر باشد و در نتیجه عدم امنیت و ناامنی افزایش می‌یابد.

همانطور که در شکل ۲ مشخص است امنیت (آب) می‌تواند یا از طریق تولید «رضایت» و با انطباق خواسته‌ها با داشته‌ها، یا از طریق افزایش «تحمل» به واسطه افزایش ضریب ایدئولوژیک ایجاد شود. تحمل در صورتی رخ می‌دهد که شرایط شکل گرفته مورد پذیرش ذی‌مدخلان نباشد و نارضایتی وجود داشته باشد؛ اما ذی‌مدخلان به سبب ناچاری یا ترس این شرایط را تحمل می‌کنند و از واکنش‌های اعتراض‌آمیز احتراز می‌جویند (Eftekhari, 2013). در مقابل، رضایت وضعیت متفاوتی را ترسیم می‌کند. در حس رضایت، امنیت حاصل برآورد شدن خواسته‌های افراد و گروه‌های اجتماعی است. بر این اساس، در این شرایط مشارکت مؤثر، پذیرش عمومی و نظم فراگیر در جامعه شکل می‌گیرد (Eftekhari, 2013). در این صورت «امنیت اجتماعی شده» شکل می‌گیرد. از این رو، هر چه الگوی امنیتی به سمت سیاست‌های تحمل‌آمیز تمایل یابد، امنیت غیراجتماعی می‌شود و هر چه گرایش به

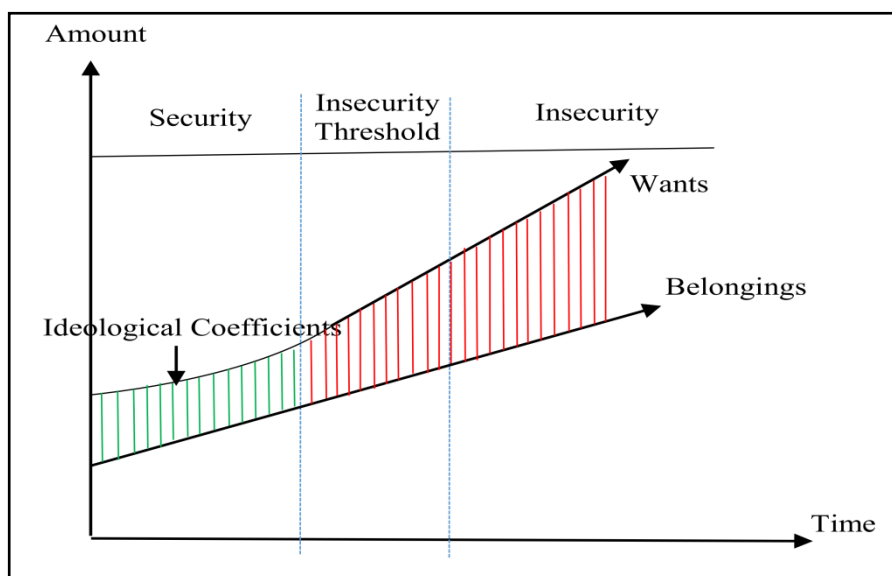


Fig. 2- The role of wants, belongings, and ideological coefficients in water and environmental security (Adapted from Eftekhari (2013))

شکل ۲- نقش خواسته‌ها، داشته‌ها و ضریب ایدئولوژیک در امنیت آب و محیط زیست (برگرفته و اصلاح شده از Eftekhari (2013))



Table 1- The source of different treats (Adopted from Eftekhari (2013))

جدول ۱- کانون تهدید (بر گرفته و اصلاح شده از (Eftekhari (2013)

Row	The Type of Threat	Threatening factor	The Definition of Threat
1	Midterm Threat	Wants	Increasing of Wants and Stability of Belongings
2	Short Term Threat	Wants	Increasing of Wants and Decreasing of Belongings
3	Long Term Threat	Belongs	Extreme Increasing of Wants and Slow Decreasing of Belongings
4	Long Term Threat	Belongs-wants	Stability of Wants and Stability of Belongings
5	Long Term Threat	Belongs-wants	Stability of Wants and Slow Decreasing of Belongings
6	Short Term Threat	Belongs-Wants	Stability of Wants and Extreme Decreasing of Belongings
7	Long Term or Midterm Threat	Ideological Coefficients	Weaken of Ideological Coefficients
8	Short Term Threat	Ideological Coefficients	Ruining of Ideological Coefficients

آبی (خواسته‌ها) می‌شود. محدود بودن داشته‌ها و افزایش خواسته‌ها می‌تواند آسیب‌های وارده به منطقه و اکوسیستم را تشدید کند (ردیف ۱ در جدول ۱). بر این اساس، ضروری است در سیاست‌گذاری‌های آب و محیط‌زیست، تنها بر افزایش داشته‌ها، با تصور افزایش امنیت آبی، تمرکز نشود بلکه به نرخ تغییر خواسته‌ها، که اهمیت بسزایی در افزایش آسیب‌پذیری و کاهش امنیت سیستم‌های آبی دارد، نیز توجه ویژه شود.

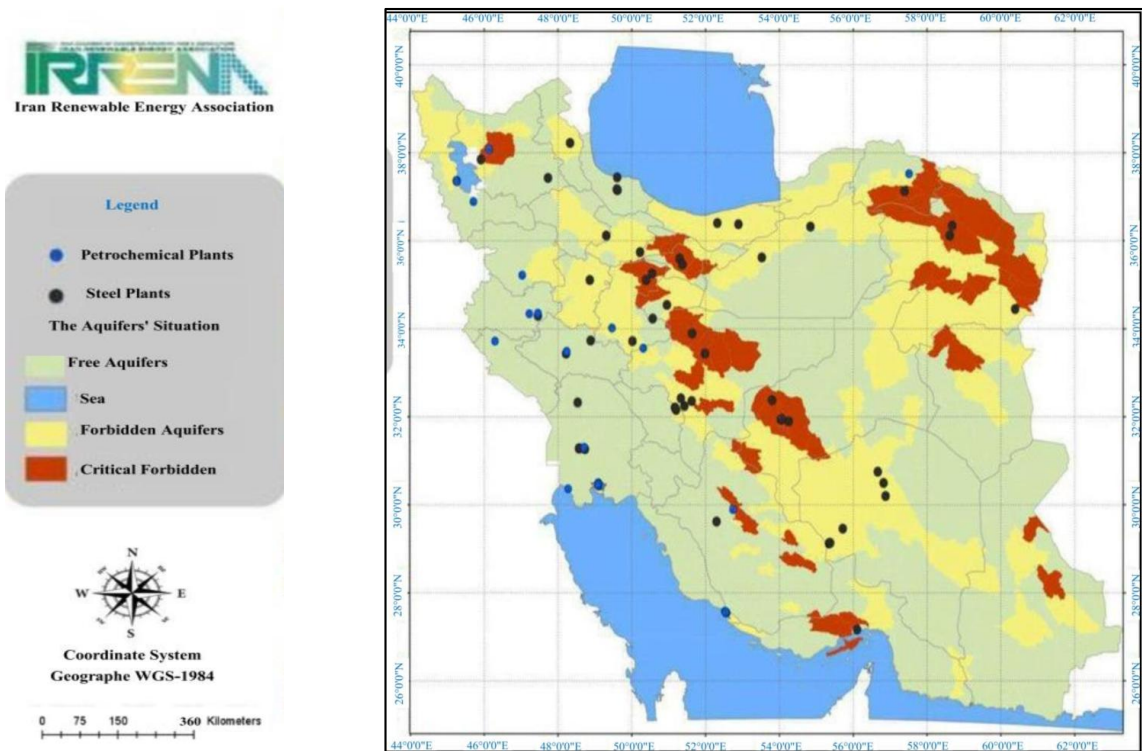
### ۳- بُعد سیاسی امنیت آبی

امنیت، پدیده‌ای است که در بستر یک فرآیند شکل می‌گیرد و برای مواجهه با تهدیدات امنیتی، تحلیل و واکاوی فرایندی که در نتیجه آن، تهدیدی امنیتی نمایان شده است، بسیار حائز اهمیت است (Coskun, 2009). بررسی فرآیند و چگونگی امنیتی نمایان شدن هر پدیده، موضوع «نظریه امنیتی‌سازی»<sup>۴۸</sup> است و بررسی فرایند امنیتی شدن مسائل آب و محیط‌زیست در ذیل این نظریه و در بُعد سیاسی قرار می‌گیرد. نظریه «امنیتی‌سازی» از مشهورترین نظریات شکل گرفته با الهام از نظریات جامعه‌شناسانه (مانند ساخت اجتماعی واقعیت) و مباحث فلسفی (مانند فلسفه زبان) است که صاحب‌نظران این حوزه تلاش برای ایجاد طرحی نو از امنیت داشته‌اند (Zarezadeh Abarghoei, 2017). نظریه امنیتی‌سازی در حوزه مطالعات امنیتی و به ویژه در «مکتب کپنهاگ»<sup>۴۹</sup> ارائه شده است.

اصطلاح مکتب کپنهاگ، برای اولین بار توسط بیل مک سوینی<sup>۵۰</sup> در کتاب «هویت و امنیت: بوزان و مکتب کپنهاگ»<sup>۵۱</sup> در اشاره به نظرات افرادی مانند باری بوزان<sup>۵۲</sup>، الی ویور<sup>۵۳</sup>، جاپ دو ویلد<sup>۵۴</sup> مطرح شد (Alavi, 2016).

در نهایت شکل‌گیری فاصله هر چه بیشتر میان خواسته‌ها و داشته‌ها، منجر به شکل‌گیری آسیب بیشتر می‌شود. به همین دلیل، در عمده موارد خروجی سیاست‌های اتخاذ شده از رویکرد مأموریت هیدرولیکی با هدف اولیه آن - که دستیابی به رفاه اجتماعی بوده است - در تناقض است و این طرح‌ها و پروژه‌ها نه تنها منجر به دستیابی به امنیت آبی نشده‌اند بلکه تهدید و آسیب‌پذیری سیستم‌های آبی را افزایش و در نتیجه امنیت آبی را کاهش داده‌اند. نمونه عینی این سیاست شکست خورده، توسعه سامانه‌های آبیاری تحت فشار است که با هدف رسیدگی به جبران کاستی مخازن آب زیرزمینی رواج یافت اما نتایج مطالعات متعدد نشان می‌دهد توسعه این سامانه‌ها به سبب آنکه دسترسی به منابع آب را برای بهره‌برداران تسهیل نموده است (افزایش داشته‌ها)، در نهایت نه تنها کاهش مصرف آب را به دنبال نداشته است؛ بلکه بهره‌برداران سطح زیر کشت را توسعه داده‌اند (افزایش خواسته‌ها) و این سیاست به ضدهدف خود تبدیل شده است و منجر به بیش بهره‌برداری از منابع آب نیز شده‌اند (FAO, 2017; Pfeiffer and Lin, 2014; Ward and Pulido-Velazquez, 2008). این رویه نشان می‌دهد چنانچه در سیاست‌های تکنولوژی محوری که منجر به افزایش دسترسی به منابع آب شوند (نظیر سددها، استفاده از پمپاژ آب زیرزمینی و طرح‌های انتقال آب) به تغییرات ایجاد شده در خواسته‌ها و ضریب ایدئولوژی ذی‌مدخلان توجهی نشود (Islam and Susskind, 2018)، این سیاست به ضدهدف خود تبدیل می‌شود و ناامنی را برای جامع به همراه خواهد داشت.

مثال دیگر در این خصوص، پروژه‌های توسعه صنایع آب‌بر مانند فولاد و پتروشیمی در مناطق و دشت‌های ممنوعه و ممنوعه بحرانی کشور است (شکل ۳). حضور این صنایع در مناطق و دشت‌های ممنوعه بدلیل کم بودن و محدود بودن توان اکولوژیکی (داشته‌ها)، باعث افزایش نیاز



**Fig. 3- The location of steel and petrochemical plants (Iran Renewable Energy Association, 2019) and the plains with restriction of withdrawal**  
 شکل ۳- موقعیت کارخانه‌های فولاد و پتروشیمی‌ها (بعنوان صنایع بشدت آب‌بر) بر روی دشت‌های کشور و وضعیت دشت‌های کشور از نظر ممنوعیت برداشت از آبخوان (Iran Renewable Energy Association, 2019)

آنها بیشتر بر فهم مشترکی تأکید دارند که از طریق فرآیند گفت‌وگو و مفاهمه میان کارگزاران امنیتی و مخاطبان درباره تهدید بودن یا تهدید نبودن مسأله ایجاد می‌شود (Zarezadeh Abarghoei, 2017). در نگاه مکتب کپنهاگ، وظیفه تحلیل‌گر امنیتی، درک تهدیدات واقعی که خطری اساسی محسوب می‌شود، نیست؛ بلکه توجه به فرآیند برسازی فهم مشترک در جامعه، از آنچه به عنوان تهدید در نظر گرفته شده و باید بطور جمعی به آن پاسخ داد، می‌باشد (Waever, 2003). این دسته از نظریه‌پردازان معتقدند کارگزاران امنیتی با برچسب‌گذاری وصف «امنیتی» به یک مسأله، به دنبال آن هستند که ابتدا آن مسأله را به مثابه تهدیدی وجودی<sup>۵۵</sup> معرفی کنند؛ دوم آنکه اعلام کنند که با توجه به شرایط اضطراری و فوری پیش آمده نیازمند است قوانین عادی تعلیق شود و اختیارات فراقانونی اخذ شود تا بدین واسطه تدابیری فوق‌العاده جهت مقابله با تهدید ادعا شده به کارگرفته شود (Zarezadeh Abarghoei, 2017).

این مسأله در مقیاس فروملی و ملی می‌تواند منجر به کسب رانتهای اقتصادی بسیار بزرگ جهت انجام پروژه‌ها و طرح‌های آبی با شعار کسب امنیت آبی و بدون انجام مطالعات جامع شود که بنابر توضیحات بخش قبل بسیاری از آنها می‌تواند سبب افزایش ناامنی ملی و

نظریه‌پردازان مکتب کپنهاگ معتقدند که سیاست‌گذاران به جای آنکه تمرکز خود را برای مواجهه با تهدیدات مختلف صرف کنند، بهتر است به شناسایی فرآیندی بپردازند که منجر به شکل‌گیری تهدیدات امنیتی شده است (Shab Azar et al., 2017). از منظر بوزان، با بررسی فرآیند امنیتی نمایان شدن مسائل، می‌توان مانع از به‌وجود آمدن زمینه‌های شکل‌گیری تهدیدات امنیتی شد (Rostami, 2015).

نظریه‌پردازان این مکتب معتقدند از آنجایی که امنیت در بستر یک فرآیند شکل می‌گیرد، برای تحلیل و واکاوی امنیت آب و محیط‌زیست نیز باید فرآیندی که در آن مسأله آب و محیط‌زیست به صورت تهدید امنیتی نمایان شده است مورد بررسی قرار گیرد. مطالعات امنیتی‌سازی در حوزه آب و محیط‌زیست به سوالاتی از قبیل: «چه کسی و با اتکا به چه تهدیدی، مسأله آب و محیط‌زیست را در حوزه مسائل امنیتی قرار داده است؟ چرا آن پدیده در حوزه امنیت قرار گرفته و به صورت تهدید نمایان می‌شود؟ تهدید نمایان شدن مسأله، چه نتایج و تبعاتی را می‌تواند در پی داشته باشد؟» پاسخ می‌دهند (Garashi, 2014).

نظریه‌پردازان مکتب کپنهاگ نیز متأثر از نگاه برساخت‌گرایانه معتقدند که امنیت، امری بین‌الذنهانی است و در اجتماع شکل می‌گیرد.

منطقه‌ای آبی شود. در مقیاس فرامرزی نیز کشورهای ساحلی می‌توانند با امنیتی‌سازی از مسأله آب و محیط‌زیست، اختیارات فراقانونی برای توجیه اقدامات مخرب خود در منابع مشترک اتخاذ کنند. بر این اساس، بررسی دقیق این رویکرد و شناخت سیاست‌های اتخاذ شده حاصل از آن، در سیاست‌گذاری‌های آب و محیط‌زیست بسیار حائز اهمیت است که بررسی دقیق آن در بُعد سیاسی سیاست‌گذاری آب و محیط‌زیست صورت می‌گیرد.

برای تبیین بهتر این رویکرد، قابل ذکر است که برخی از نظریه‌پردازان این مکتب، امنیتی‌سازی را معادل با تهدیدانگاری<sup>۵۶</sup> یک پدیده می‌دانند (Garashi, 2014). به عبارتی دیگر، روند امنیتی‌سازی زمانی آغاز می‌شود که یک بازیگر (یا مجموعه‌ای از بازیگران) ابتدا از یک پدیده به عنوان تهدیدی وجودی «تصورسازی» می‌کنند. آن‌ها در نتیجه این گزاره را مطرح می‌کنند که تهدیدها، لزوماً ناظر به یک خطر واقعی نیستند؛ بلکه ایجاد یک باور مشترک و جمعی مبنی بر تهدیدآمیز بودن یک پدیده، مقابله با آن و تأمین امنیت را توجیه‌پذیر می‌کند (Garashi, 2013 and Dehgani Firouzabadi, 2013). به همین دلیل برخی معتقدند که نظریه امنیتی‌سازی، بیش از آنکه نظریه‌ای تحلیلی یا ارزیابی‌کننده باشد، «نظریه‌ای مدیریتی» است و در آن نحوه مدیریت امنیت بیشتر مد نظر قرار دارد. زیرا در امنیتی‌سازی یا امنیتی نمایان ساختن یک پدیده، بازیگر امنیتی‌ساز<sup>۵۷</sup> به این نتیجه رسیده است که دیگر در شرایط عادی نمی‌تواند با آن پدیده مواجه شود و مدیریت آن مستلزم اطلاق وضعیت فوق‌العاده به آن پدیده است (Abdollahkhani, 2006). تجلی یک پدیده یا موضوع به مثابه یک تهدید در اذهان افراد جامعه نیز می‌تواند هم‌اندازه وجود یک پدیده عینی تهدیدآمیز اما بدون تجلی اجتماعی حائز اهمیت باشد (Garashi, 2014).

بر اساس مکتب کپنهاگ، امنیت کنش‌گفتاری<sup>۵۸</sup> است زیرا معتقد است برای شناخت صحیح و بررسی راه امنیتی نمایان شدن هر مسأله‌ای، بررسی نحوه ابراز و بیان تهدید وجودی بودن آن مسأله و امنیتی‌شدن آن مسأله نیز بسیار حائز اهمیت است و یکی از راه‌های امنیتی‌سازی یک پدیده، استفاده از کنش‌گفتاری است (Buzan et al., 1998). نظریه کنش‌گفتاری یکی از مباحث مهم تحلیل‌گفتمان در حوزه دانش زبان‌شناسی است. بر اساس این نظریه، بررسی و تحلیل متن‌شناسی گفتمان‌ها، یکی از راه‌های درک و شناخت بهتر لایه‌های پنهان آن‌ها هستند (Najafi Ivaki et al., 2017). تحلیل‌گفتمان<sup>۵۹</sup> نوعی مطالعه میان‌رشته‌ای به شمار می‌رود که ریشه در زبان‌شناسی همگانی دارد و در سایر علوم مانند روان‌شناسی، جامعه‌شناسی و علوم سیاسی نیز راه یافته است. بطور خلاصه، گفتمان مجموعه پیچیده‌ای از رفتارهای زبانی است که به صورت نمونه‌های نوشتاری و گفتاری نمود پیدا

می‌کند. تحلیل‌گران گفتمان بر این باورند که هر «عمل زبانی» دارای یک «ویژگی هدفدار» است. تحلیل‌گفتمان، چگونگی تبلور و شکل‌بندی معنا و پیام‌گفتمانی را بررسی می‌کند (Lotfipour Saedi, 1992). به عبارت دیگر، تحلیل‌گفتمان، معنای جملات را در فضا و محیطی که جمله‌های زبانی تولید می‌شوند بررسی می‌کند. به همین دلیل، توجه و در نظر گرفتن بافت‌های<sup>۶۰</sup> مختلف مکانی، زمانی، اجتماعی، تاریخی، ادبی و غیره در تحلیل یک متن بسیار حائز اهمیت است (Najafi Ivaki et al., 2017). از این روی، شناخت بافت، اساس نظریه کنش‌گفتاری است و در تحلیل کنش‌گفتاری هر متنی، توجه به بسترهای اجتماعی و تاریخی آن متن اهمیت بسیاری دارد (Najafi Ivaki et al., 2017).

نظریه کنش‌گفتاری در سال ۱۹۷۵ توسط آستین<sup>۶۱</sup> در کتابی تحت عنوان «چگونگی انجام کارها با لغات»<sup>۶۲</sup> مطرح شد (Austin, 1975). ایده اولیه آستین آن بود که برخی اظهارات، واقعیت را توصیف نمی‌کنند؛ بلکه بیان آنها، انجام عمل است. پژوهش‌های مبتنی بر روش تحلیل‌گفتمان و کنش‌های گفتاری به بررسی داده‌هایی چون مصاحبه‌ها، تصاویر، مطالب روزنامه و مواردی از این دست می‌پردازند (Garashi, 2014). بطور کلی اعلامیه‌های عمومی، صورتجلسه‌ها، گزارش رسانه‌ها، مقالات روزنامه‌ای، اسناد حقوقی مانند معاهدات و توافق‌نامه‌ها، بیوگرافی و خاطرات تصمیم‌گیران، بروشور و خبرنامه‌ها و همچنین خلاصه‌های سیاستی، همگی نوعی کنش‌گفتاری محسوب می‌شوند که توجه به بافت‌های مختلف مکانی، زمانی و ادبی آن‌ها برای درک و شناخت بهتر مناقشات و همکاری‌ها در بسترهای اجتماعی و تاریخی آن متن اهمیت بسزائی دارد (Mirumachi, 2015). برگزاری سخنرانی‌های درباره آب و محیط‌زیست، دستور بستن دریاچه سدها و امضاء اظهارنامه‌های مشترک نمونه‌هایی از کنش‌های گفتاری هستند که بر روابط هیدروپلیتیکی کشورها اثر می‌گذارند لذا این دست از تحلیل‌ها برای تبیین و واکاوی مسائل امنیتی‌شده حائز اهمیت است (Mirumachi, 2010). نکته حائز اهمیت آن است گاهی ممکن است تنها حرکتی برای امنیتی‌سازی از مسأله‌ای صورت گرفته باشد و مسأله به صورت مشروع امنیتی‌سازی نشده باشد. در جدول ۲ به ترتیب نحوه شناسایی حرکت صورت گرفته به منظور امنیتی‌سازی از یک مسأله و نحوه شناسایی یک مسأله امنیتی‌سازی شده ارائه شده است. همانطور که در این جدول مشخص است کنش‌های گفتاری صورت گرفته در سخنرانی‌ها توسط وزرا و نخبگان یا ارائه مقالات در کنفرانس‌های معتبر توسط افراد متخصص در زمره حرکت‌های امنیتی‌سازی شده قرار می‌گیرند. اما چنانچه این کنش‌های گفتاری در عمل و در اسناد سیاستی و برنامه‌های سالانه یک کشور توسط مجلس و کمیسیون‌ها نیز منعکس شود، آنگاه اقدام امنیتی‌سازی شده صورت

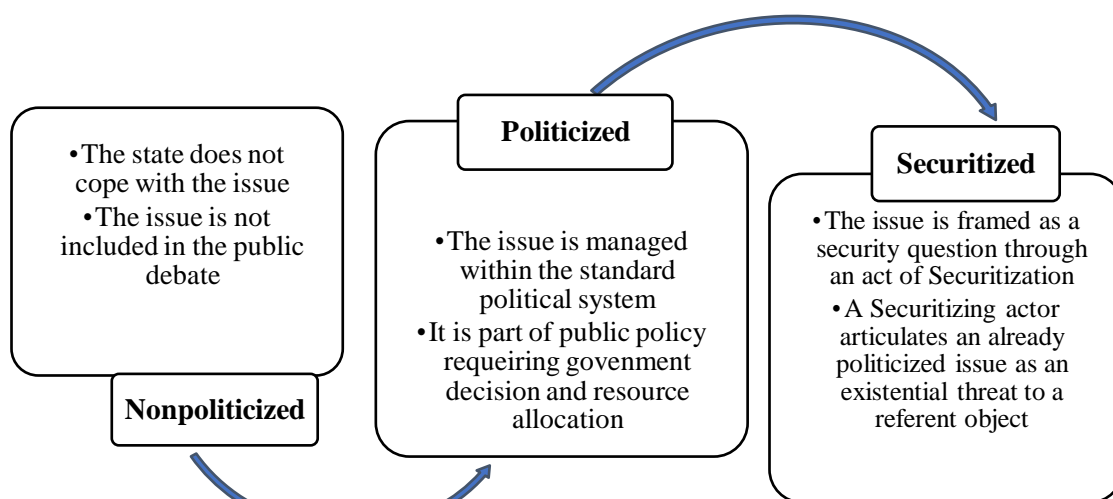
**Table 2- How to identify a securitisation "Move" (Barnhoorn, 2019)**  
**جدول ۲- نحوه شناسایی حرکت صورت گرفته برای امنیتی سازی (Barnhoorn, 2019)**

Securitisation "Move"	
Scope	Analysis
What type of move is taking place?	Speech, Letters, Oral debates in conference, etc.
Who is involved in the move?	Elite Actors speaking at conferences and events, Prime minister, minister, etc.
When is the move occurring?	Date
How is the move viewed in terms of security?	Treat for Human, national, or collective
Securitisation "Act"	
Scope	Analysis
What type of act is taking place?	Policy Note, Declaration, Policy Strategies, Year Plans etc.
Who is involved in the act?	Parliament, Commission, etc.
When is the act occurring?	Date
How is the act viewed in terms of security?	Nonpoliticized, Policized, or Securitized

براین اساس، سیاسی سازی یک مسأله، به این معناست که آن مسأله در معرض دید همگان قرار بگیرد و امنیتی سازی به فرایندی گفته می شود که منجر به قرار دادن برخی موضوعات در چارچوب امنیت می شود، درحالی که قبلاً در این حوزه قرار نداشته باشند. به عبارتی دیگر، امنیتی سازی به معنای خروج پدیده ها از حوزه سیاست عادی یا سیاست های عمومی و وارد کردن آن ها به حوزه امنیتی است (Buzan et al., 1998). بدین ترتیب چنانچه مسأله تهدید آمیزی را بتوان توسط قانون و ابزارهای مشروع حاکمیتی و بین المللی حل کرد، آن مسأله دیگر تهدید یا مسأله ای امنیتی محسوب نمی شود (Alavi, 2016). از نظر ویور، جای دادن یک موضوع بر روی این طیف (شکل ۴)، وابسته به شرایط زمانی و مکانی است و نمی توان از قطعی و ثابت بودن جایگاه و اهمیت یک موضوع در جوامع مختلف سخن گفت (Garashi, 2014).

گرفته است (Barnhoorn, 2019).

مطلبی که دانستن آن به فهم بیشتر امنیتی سازی کمک می کند، تقسیم بندی و تفکیک موضوعات موجود در جامعه است. نظریه پردازان مکتب کپنهاگ معتقدند به لحاظ نظری، هر مسأله عمومی را می توان در طیفی قرار داد که از امور غیرسیاسی (مسائلی هستند که دولت با آنها کاری ندارد و ضرورت بحث و تصمیم عمومی را به وجود نمی آورند) تا امور سیاسی سازی<sup>۶۳</sup> شده (مسائلی هستند که بخشی از سیاست عمومی اند و به تصمیم دولت و با اختصاص منابع به اداره کردن جمعی نیازمندند) و امور امنیتی سازی شده (مسائلی هستند که تهدید وجودی معرفی می شوند و نیازمند اقدامات ضروری و اعمالی توجیه کننده خارج از فرایند سیاسی اند) گسترده شده است (شکل ۴) (Buzan et al., 1998).



**Fig. 4- Securitization spectrum (Buzan et al., 1998)**  
**شکل ۴- طیف امنیتی سازی مسائل (Buzan et al., 1998)**

همچنین شناخت مرز بین سیاسی شدن و امنیتی شدن موضوعات بسیار باریک است و بررسی آن بسیار حائز اهمیت است. زیرا تشخیص درست وضعیت یک مسأله، می‌تواند واکنش متناسب با آن سطح را در پی داشته باشد (Buzan et al., 1998). در سیاسی سازی، مسأله صرفاً در معرض دید همگان و انتخاب آن‌ها قرار می‌گیرد و نسبت به آن حساسیت ایجاد می‌شود. اما در امنیتی سازی، مسأله به عنوان تهدید وجودی یا حیاتی نمایان می‌شود و به همین دلیل نیازمند اقدامات اضطراری می‌گردد که این امر، امکان مواجهه با آنها را خارج از رویه‌های سیاست‌های عادی فراهم می‌کند (Coskun, 2009).

واحد‌های تحلیل و پایش فرآیند امنیتی سازی از منظر مکتب کپنهاگ، (۱) موضوع (مرجع) امنیت<sup>۶۴</sup>؛ (۲) بازیگران امنیتی ساز؛ (۳) بازیگران کارآمد<sup>۶۵</sup> و (۴) مخاطبان<sup>۶۶</sup> هستند (Buzan et al., 1998). موضوعات امنیت موضوعات و مسائلی هستند که موجودیت آنها در معرض تهدید انگاشته می‌شود و برای بقاء، ادعای مشروعی دارند. بازیگران امنیتی ساز، بازیگرانی هستند که با اعلام در معرض تهدید بودن یک پدیده، آن را به موضوعی امنیتی تبدیل می‌کنند که معمولاً رهبران سیاسی، کارگزاران، حکومت‌ها، دلالان سیاسی و گروه‌های فشار هستند (Buzan et al., 1998). برای نیل به این مقصود، نیاز است بازیگر امنیتی سازی در میان مخاطبان از اقتدار، مشروعیت و همچنین پذیرش برخوردار باشد تا در معرض تهدید جلوه‌دادن پدیده‌ها برای مخاطبان مورد پذیرش واقع شود. از این روی، سطح اقتدار بازیگر امنیتی کننده، تأثیر عمده‌ای در مخاطب برای پذیرش موضوع و هشدارهای او ایجاد می‌کند (Buzan et al., 1998). به همین دلیل موقعیت، جایگاه، توان، کاریزما، نفوذ کلام و نوع قواعد گفتاری به کار گرفته شده از سوی بازیگر امنیتی ساز در موفقیت آمیز بودن امنیتی نمایان ساختن حائز اهمیت است (Waever, 1995, 2003).

بازیگران کارآمد بازیگرانی هستند که بر فرآیند امنیتی سازی تأثیر می‌گذارند. این بازیگران نه از موضوع امنیت هستند و نه جزء بازیگران امنیتی ساز که بخواهند موضوعی را امنیتی کنند، بلکه بر تصمیمات در حوزه امنیت تأثیر جدی دارند. برای نمونه شرکت‌هایی که تولیدکننده آلودگی هستند می‌توانند بازیگران کارآمد برای محیط زیست باشند (Buzan et al., 1998). مخاطبان بازیگرانی هستند که حلقه تکمیلی امنیتی سازی محسوب می‌شوند و زمانی که فرآیند امنیتی سازی یک پدیده، به عنوان موضوعی امنیتی توسط عموم آنها پذیرفته شد، آنگاه می‌توان گفت فرآیند امنیتی سازی آن پدیده نهایی شده و می‌توان پدیده مذکور را امنیتی شده تلقی کرد (Buzan et al., 1998; Waever, 1995, 2003). بنابراین آنچه در این میان نقش دارد، ذهن، ادراک و نگرش بازیگر و مخاطب است (Abdollahkhani, 2006). مخاطبان

نقش محوری در امنیتی سازی دارند زیرا آنها باید متقاعد شوند تا حرکت امنیتی ساز موفق شود. در این راستا (Waever 1995) معتقد است با جلوه دادن یک موضوع به عنوان یک تهدید وجودی، آن موضوع به آستانه امنیتی شدن می‌رسد، اما موضوع در صورتی امنیتی می‌شود که «مخاطبان» آن را بپذیرند. اگر پذیرش از سوی مخاطب صورت نگیرد، تنها می‌توان گفت حرکتی برای امنیتی کردن یک موضوع انجام شده ولی موضوع امنیتی نشده است (Waever, 1995).

بر این اساس، چهار رکن اصلی منطق امنیتی سازی در مکتب کپنهاگ عبارتند از: (۱) تجلی تهدید به مثابه تهدید وجودی؛ (۲) تبیین شرایط اضطراری؛ (۳) اتخاذ تدابیر فوق العاده از جانب بازیگر امنیتی ساز و (۴) پذیرش تهدید از جانب مخاطبان. از دید نظریه پردازان مکتب کپنهاگ، امنیتی سازی روندی است که طی آن یک بازیگر، یک مسأله یا پویا یا بازیگر خاصی را به عنوان تهدیدی وجودی برای هدف مرجع خاص اعلام می‌کند. اگر مخاطبان این اعلام، آن را بپذیرند این امکان فراهم می‌شود که سیاست عادی به حالت تعلیق در آید و در پاسخ به این بحران بر ساخت شده و احساس شده، اقدامات اضطراری در پیش گرفته شود (Zarezadeh Abarghoei, 2017). بیان دیگر، امنیتی سازی را می‌توان فرآیند قرار دادن مسأله خاص با توسل به کنش گفتاری (معمولاً توسط رهبران سیاسی یا در عصر حاضر توسط رسانه‌ها) در قلمرو امنیتی (از طریق تهدید جلوه دادن آن) دانست.

مکتب کپنهاگ همچنین امنیتی سازی را مقابل امنیتی زدایی<sup>۶۷</sup> موضوعات می‌داند. به این معنا که در فرآیند امنیتی زدایی تلاش می‌شود تا موضوعاتی که سبقه امنیتی پیدا کرده‌اند، دوباره از دستور امنیتی خارج شده و به حوزه گفتارهای عادی سیاسی یا مشاجرات عادی برگردند. به عبارتی دیگر، امنیتی زدایی فرایندی است که به واسطه آن جامعه سیاسی در صدد توقف تهدید وجودی جلوه دادن موضوع امنیت است و بدین طریق اقدامات فوری برای مواجهه با آن را متوقف می‌کنند یا کاهش می‌دهند. طی فرآیند امنیتی زدایی، تلاش می‌شود تا از امنیتی ساختن بیش از حد موضوعات و گنجاندن در بُعد امنیتی پرهیز شود و فضای بیشتری برای چانه زنی در حوزه سیاست فراهم آورد. بر این اساس، چنانچه در گذشته انجام هرگونه اقدامات فوری برای مواجهه با مسأله امنیتی شده مشروعیت داشت، در طی فرآیند امنیتی زدایی، بکارگیری خشونت<sup>۶۸</sup> دیگر گزینه‌ای مشروع<sup>۶۹</sup> برای مواجهه با آن نخواهد بود. بر این اساس، هدف نهایی در فرآیند امنیتی زدایی آن است که شرایطی ایجاد شود که در آن موضوع امنیت دیگر به عنوان تهدید نمایانگر نباشد (Coskun, 2009).

در حوزه مسائل امنیتی آب و محیط‌زیست، در مقابل بازیگر امنیتی‌ساز، بازیگران امنیتی‌زدا قرار دارند. این بازیگران معمولاً لایه‌های اقتصادی، صنعتی یا کشاورزی‌اند که در صدد کم‌اهمیت جلوه دادن مسائل محیط‌زیستی هستند. زیرا منافع آن‌ها در استفاده و تخریب محیط‌زیست است. این دسته از بازیگران معمولاً در بالادست حوضه‌های آبریز یا در سرچشمه‌های تهدید محیط‌زیستی ایجاد شده قرار گرفته‌اند. برای نمونه، آمریکا، برزیل، هند و چین به عنوان بازیگران امنیتی‌زدا در توافقات تغییرات اقلیمی شناخته می‌شوند زیرا این کشورها از کاهش مصرف سوخت‌های فسیلی در برنامه‌های توسعه‌ای کشور خود امتناع ورزیدند و در صدد آن هستند تا جلوی حصول توافق بین‌المللی تغییرات اقلیمی تعهدآور حقوقی و مالی را بگیرند (Porter and Welsh Brown, 1991). همچنین در دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰، ۱۹ شرکت شیمیایی تولیدکننده کلروفلوروکربن مانع از هرگونه اقدام بین‌المللی برای حفاظت از لایه ازن شدند (Porter and Welsh Brown, 1991).

در رویکرد امنیتی‌سازی در حیطه مسائل هیدروپلیتیک و تعاملات بین‌المللی آبی، دولت‌ها با استفاده از مکانیزم تهدید-دفاع<sup>۲۲</sup> به دنبال آن هستند تا با جلوه دادن مسائل به صورت تهدید وجودی از خود دفاع کنند (Zeitoun, 2007). نمونه آن اقدام کشور عراق در حوضه آبریز دجله و فرات و کشور مصر در حوضه آبریز نیل از امنیتی‌سازی برای مدیریت امنیت آبی است (Ghoreishi et al., 2019). در خصوص امنیتی‌سازی مسئله آب‌های مشترک حوضه آبریز فرامرزی دجله و فرات، حسن‌الجنابی، وزیر آب عراق، در تاریخ ۲۰ تیر ۱۳۹۷ در جلسه‌ای در شورای امنیت نسبت به مسئله سدسازی‌های کشورهای ساحلی بالادست در حوضه دجله و فرات اعتراض کرد و در خصوص تهدیدات زیست‌محیطی و اقلیمی، به مسئله سدسازی‌های گسترده کشورهای حوضه آبریز مشترک با این کشور اشاره و تأکید کرد که «این اقدامات اثرات نامطلوب محیط‌زیستی و اقتصادی و در نهایت امنیتی برای عراق در پی داشته و تمدن بین‌النهرین را در این منطقه مورد تهدید قرار داده است». براین اساس، او مسئله سدسازی کشورهای همسایه را به تخریب محیط‌زیستی و در نهایت امنیت ملی کشورش مرتبط دانسته است و تلاش کرد که توجه جهانی را به سوی این مسئله جلب کند. وی تلاش کرد تا به واسطه امنیتی‌سازی اقدامات کشورهای همسایه عراق، اولاً تفکرات دیگران را متناسب با خواسته خود شکل دهد و انگشت اتهام در خصوص مسائل محیط‌زیستی ایجاد شده برای کشورش را به سمت کشورهای همسایه‌اش بگیرد و ثانیاً از جامعه جهانی برای مقابله با مسائل محیط‌زیستی ایجاد شده کمک بخواهد. نمونه‌ای دیگر از بکارگیری رویکرد امنیتی‌سازی برای دستیابی به امنیت آبی، اقدام کشور مصر در حوضه آبریز نیل است. همانطور که

برای انجام فرایند امنیتی‌زدایی سه گزینه برای سیاست‌گذاران وجود دارد (Buzan et al., 1998): ۱- در مورد موضوع امنیت در دستورکار امنیتی صحبت نشود؛ ۲- زمانی که مسئله‌ای امنیتی شد معمماً ۷۰ امنیتی<sup>۲۱</sup> برای آن ایجاد نکنند و ۳- مسئله امنیتی‌شده را به حوزه سیاست عادی برگردانند. در شرایطی که برای امنیتی‌زدایی به واسطه دو مکانیزم اول دیر شده باشد، تنها راه امنیتی‌زدایی، گزینه سوم است که گزینه‌ای بسیار دشوار است. مخصوصاً زمانی که مسئله امنیتی‌شده مسئله‌ای وابسته به بخش اجتماع و هویت ذی‌مدخلان باشد (Buzan et al., 1998). ذکر این نکته حائز اهمیت است که مطلوب بودن فرایند امنیتی‌سازی یا امنیتی‌زدایی به مثابه منش مدیریت امنیت در مواجهه با مسائل و موضوعات مختلف (Abdollahkhani, 2006)، متکی به انتخاب و تصمیم کارگزار امنیتی است و نه وجود تهدید امنیتی راستین (Zarezadeh Abarghoei, 2017). امنیتی‌سازی مسئله همراه با خود نوع خاصی از سیاست اضطراری را به دنبال خواهد داشت که در آن فضا و زمان مجاز برای مشورت، مذاکره و چانه‌زنی محدود می‌شود و فوریتی برای مواجهه با مسائل ایجاد می‌نماید (Columba and Vaughan Willians, 2010). اما امنیتی‌زدایی فرایندی است که به واسطه آن تهدید وجودی جلوه‌دادن موضوع امنیت متوقف می‌شود و فضایی متعادل برای چانه‌زنی فراهم می‌شود.

### ۳-۱- بُعد سیاسی: تبیین امنیتی نمایان شدن مسائل آب و محیط‌زیست

مکتب کپنهاگ معتقد است هر مسئله‌ای تنها زمانی می‌تواند تبدیل به یک موضوع امنیتی شود که به آن برچسب زده شود. آنها معتقدند برای تحلیل امنیت و مواجهه با تهدیدات امنیتی، باید فرایندی که در آن بستر، مسئله امنیتی شکل گرفته است بررسی و شناسایی شود. به عبارت دیگر، آنها امنیت را پدیده‌ای می‌دانند که در بستر یک فرایند شکل می‌گیرد. به همین دلیل برای بررسی امنیت آب و محیط‌زیست از منظر مکتب کپنهاگ، باید فرایندی که در آن مسئله آب و محیط‌زیست به صورت تهدید امنیتی نمایان شده است مورد بررسی قرار گیرد. از سوی دیگر، این دسته از نظریه‌پردازان معتقدند بازیگران سیاسی با استناد به امنیتی بودن مسئله آب و محیط‌زیست در صدد مشروعیت بخشیدن به کاربرد زور برای مواجهه با تهدیدات حاصل از مسائل امنیتی نمایان شده هستند. زیرا امنیتی خواندن هر مسئله‌ای توسط بازیگر امنیتی‌ساز، سایر بازیگران را مجاب می‌کند تا برای برخورد با تهدیدات حاصل از آن، اعلام بسیج کرده و اختیارات ویژه‌ای طلب کنند. بازیگران امنیتی‌ساز در حوضه‌های آبریز در صدد کسب اختیارات ویژه برای مقابله با تهدیدات ایجاد شده هستند.

قبلاً ذکر شد رودخانه فرامرزی نیل، یک رودخانه بین‌المللی مشترک بین ۱۱ کشور آفریقایی است که در این بین، سه کشور مصر، سودان، و اتیوپی وابستگی بسیار زیادی به منابع آبی این رودخانه دارند و به همین دلیل نیل برای آنها اهمیت بسزایی دارد. مناقشه بر سر نحوه آبیگری سد رنسانس و همچنین نحوه بهره‌برداری از این سد از کلیدی‌ترین چالش‌های مناسبات میان کشورهای ساحلی این رودخانه است که علیرغم ورود و میانجی‌گری کشورهای نظیر روسیه، آمریکا، اتحادیه آفریقا این مناقشه برطرف نشده است به نحوی که بهره‌برداری از رودخانه نیل را به یکی از پرتنش‌ترین مسائل هیدروپلیتیک در دنیا تبدیل کرده است.

دو کشور مصر و سودان در این حوضه در صدد کنترل اقدامات کشور اتیوپی مبنی بر آبیگری سد رنسانس در بالادست رودخانه نیل هستند. این در حالی است که در ۲۴ فروردین‌ماه ۱۳۹۹ اتیوپی اعلام کرد در صورت عدم موافقت کشورهای مصر و سودان، این کشور تحت هر شرایطی آبیگری مخزن سد رنسانس را در شهریورماه ۱۳۹۹ آغاز خواهد کرد. این اظهارات با واکنش مصری که در پایین‌دست نیل است و رودخانه نیل را به مثابه امنیت و هویت خود تلقی می‌کند همراه بود. تا جایی که در ۲۲ اردیبهشت‌ماه ۱۳۹۹ مصر در اعتراض به اقدامات اتیوپی نامه‌ای ۱۷ صفحه‌ای را به شورای امنیت سازمان ملل متحد (UNSC) ارسال کرد و خواستار توقف احداث و تکمیل ساخت سد است. زیرا مصر ساخت سد را تهدید وجودی می‌داند و حتی وزیر امور خارجه مصر در نامه به این شورا، احتمال درگیری نظامی بر سر این مناقشه را مطرح کرده است.

نمونه‌ای از امنیتی‌زدایی در مسائل آب‌های فرامرزی، اقدام کشور ترکیه در خصوص مسأله آب رودخانه‌های دجله و فرات است. کشور ترکیه بر اساس دکترین «عمق استراتژیک»<sup>۷۳</sup> که توسط احمد داود اوغلو<sup>۷۴</sup>، وزیر خارجه ترکیه مطرح شده است (Daneshnia et al., 2015; Foroughi et al., 2012)، امنیت‌زدایی از مسائل سیاسی را بطور گسترده در دستور کار خود دارد و این مهم در مسائل هیدروپلیتیکی نیز نمود یافته است. دکترین عمق استراتژیک رویکرد نوینی در سیاست خارجی ترکیه ایجاد کرد که موسوم به رویکرد نئوعثمانی‌گرایی است. در قالب این دکترین ترکیه در تلاش است تا تغییراتی از دیپلماسی سخت به دیپلماسی نرم در سیاست خارجی خود ایجاد کند که این تغییر رویکرد، تأثیر محسوسی نیز بر سیاست‌های آبی ترکیه داشته است (Ghoreishi et al., 2020). به همین دلیل، سیاستمداران ترکیه با درک اهمیت دیپلماسی نرم و با تغییر موضع از دیپلماسی سخت (که برخاسته از دکترین هارمون<sup>۷۵</sup> است) اخیراً چنین ادعا می‌کند که آب ابزار دستیابی به اهداف سیاسی ترکیه نیست و

مدعی هستند سازه‌های مهار آب حوضه‌های آبریز در این کشور هیچ تهدیدی برای کشورهای پایین‌دست حوضه‌های آبریز مشترک ایجاد نخواهد کرد (Anadolu Agency, 2018). بطور مشخص، فاتح یلدیز، سفیر ترکیه در بغداد در سال ۲۰۱۸ اذعان داشت که سدهای ترکیه تأثیر منفی بر تأمین آب عراق نخواهند داشت و سد ایلیسو ترکیه در رودخانه دجله رژیم آبی این رودخانه را تغییر نخواهد داد (Anadolu Agency, 2018).

درک فرایند امنیتی‌سازی یا امنیتی‌زدایی برای درک بهتر عملکرد بازیگران اثرگذار تعاملات مربوط به آب و محیط‌زیست بسیار حائز اهمیت است. زیرا امنیتی‌سازی یا امنیتی‌زدایی، بسته به شرایط، این فرصت را به بازیگران امنیتی‌ساز یا بازیگران امنیتی‌زدا می‌دهد تا بتوانند تفکرات دیگران را متناسب با خواسته خود شکل دهند. بطور کلی می‌توان ادعا کرد در یک حوضه آبریز مشترک، بازیگر قدرتمند (هیدروهمژمون)<sup>۷۶</sup> در پی امنیتی‌زدایی از مناسبات آبی است و بازیگر ضعیف‌تر (غیرهیدروهمژمون)<sup>۷۷</sup> در پی امنیتی‌سازی از مناسبات آبی است تا بدین طریق بتواند قدرت یا سلطه خود را حفظ کند یا افزایش دهند.

#### ۴- بُعد فرابخشی امنیت آبی

آب سیستم جفت‌شده طبیعی- انسانی است که تعاملات غیرقابل پیش‌بینی، پویا و بازخوردهای متعدد با بخش‌های مختلف از جمله غذا، انرژی و اقلیم دارد. شناخت تعاملات بین بخش‌های مختلف با منابع آب و همچنین درک فرابخشی<sup>۷۸</sup> بودن حکمرانی آن، برای نیل به امنیت آبی ضروری است؛ زیرا امنیت مسائل درهم‌تنیده آبی تنها در گروهی بخش آب نیستند (Juvonen, 2015). بسیاری از محرک‌ها در استفاده از آب، از خارج از بخش آب بر حکمرانی و مدیریت این منبع حیاتی اثرگذار هستند و این فرآیندها اغلب تحت تأثیر تصمیم‌های اتخاذ شده در بخش‌های دیگر نیز قرار می‌گیرند (Grigg, 2019; Gupta et al., 2013). برای نمونه، منابع آبی تحت تأثیر فعالیت‌های کشاورزی، کمیابی امنیت غذایی، امنیت انرژی، تغییر اقلیم، زیرساخت‌ها و تکنولوژی قرار می‌گیرند (Juvonen, 2015). نیل به امنیت آبی در گروهی توجه به مسائل سایر بخش‌ها است (Gupta and Pahl, 2013). بنابراین توجه به اهمیت پیوند ذاتی<sup>۷۹</sup> منابع آب با سایر منابع و همچنین فرابخشی بودن حکمرانی آن جهت نیل به امنیت آبی بسیار حائز اهمیت است و اتخاذ رویکردی کل‌گرایانه<sup>۸۰</sup> که بتواند ارتباط میان مسائل آبی با بخش غذایی و بخش انرژی (همبست امنیت آب، امنیت غذا و امنیت انرژی) را در نظر گیرد برای حکمرانی خوب منابع آب و دستیابی به امنیت آب الزامی است. به عبارت دیگر، ذات به‌هم‌پیوسته آب، غذا و انرژی و مسائل و چالش‌های درهم‌تنیده این



پیوند، نیازمند رویکردی یکپارچه و کل‌گرایانه برای مدیریت و حکمرانی است (Hagemann and Kirschke, 2017; Rasul, 2014).

توجه به پیوند درهم‌تنیده آب و بخش‌های مرتبط با آن، جزء ارکان بسیار مهم برای سیاست‌گذاری‌ها و تصمیم‌گیران حوزه امنیت آبی است که در آینده به دلیل بحران رو به تزايد محیط‌زیستی بیشتر مورد توجه جوامع قرار خواهد گرفت (Kahrl and Roland-Holst, 2008; Siddiqi and Anadon, 2011; Stucki and Sojamo, 2012). از آنجایی که آب نقش کلیدی و محوری برای تولید محصولات کشاورزی و تولید انرژی دارد، کمیابی آبی محدودکننده جدی برای تولید انرژی و غذا است (Keskinen and Varis, 2016). پیش‌بینی می‌شود تا سال ۲۰۳۰ نیاز به آب، انرژی و غذا به ترتیب ۴۰، ۵۰ و ۳۵ درصد افزایش یابد (Aiko et al., 2017). این مسأله تا حدی حائز اهمیت است که گزارش مجمع جهانی اقتصاد در سال ۲۰۱۵ (World Economic Forum, 2015) تأمین امنیت آب، غذا و انرژی را به عنوان یکی از بزرگ‌ترین مخاطرات برای ثبات اقتصادی جهان رتبه‌بندی کرده است (Liu et al., 2017).

در خصوص اثرگذاری آب بر تولید انرژی قابل ذکر است که اکثر روش‌های تولید انرژی‌های تجدیدپذیر به‌ویژه انرژی برق‌آبی به آب وابسته است (Keskinen et al., 2016). همچنین آب یکی از ارکان اصلی در نیروگاه‌های حرارتی است و از ظرفیت گرمایی بالا آن برای خنک کردن سیستم‌ها استفاده می‌شود. طبق گزارش منتشرشده آژانس بین‌المللی انرژی، تقریباً ۱۵ درصد از «برداشت‌های» آب شیرین (یا

۵۸۰ میلیارد مترمکعب آب) در هر سال با هدف تولید انرژی است (IEA, 2012) و حدود ۱۱ درصد آن (یا ۶۶ میلیارد مترمکعب) به منبع آبی بازگردانده نمی‌شود و «مصرف» می‌شود (Lavelle and Grose, 2013). بیشترین میزان برداشت آب در نیروگاه‌های هسته‌ای و گازی صورت می‌گیرد و بیشترین مصرف آب مربوط به نیروگاه‌های برقی است (به دلیل تبخیر آب پشت سد) است (Drews et al., 2016). از سوی دیگر، مدیریت منابع آب نظیر توزیع و تخصیص آب، تصفیه آب، نمکزدایی یا برداشت آب به انرژی نیاز دارند (Nhamo et al., 2018). نمونه ملموس از همبستگی و تأثیرگذاری/پذیری تولید انرژی و منابع آبی، نیروگاه شهید مفتح همدان است. نیروگاه حرارتی شهید مفتح همدان واقع در دشت کبودرآهنگ (در کیلومتر ۴۵ جاده همدان-تهران)، یکی از نیروگاه‌های حرارتی ایران است که ظرفیت تولید ۱۰۰۰ مگاوات دارد و شامل ۴ واحد بخار ۲۵۰ مگاواتی است. دشت کبودرآهنگ در سال ۱۳۷۲ توسط وزارت نیرو ممنوعه اعلام شد. چهار سال بعد، نیروگاه حرارتی شهید مفتح در این دشت ممنوعه افتتاح شد. از آنجایی که آب موردنیاز این نیروگاه از سفره‌های آب زیرزمینی منطقه برداشت می‌شد، پس از مدتی افت سطح آب زیرزمینی بسیار تشدید شد و فروچاله‌های متعددی در منطقه به وجود آمد (شکل ۵). کمیابی آب در اثر افتتاح این نیروگاه، تعدادی از مردم منطقه را مجبور به مهاجرت کرد و تبعات اجتماعی و اقتصادی متعددی را ایجاد کرد. علت ایجاد این فروچاله‌ها برداشت بیش از حد آب زیرزمینی برای تولید انرژی بود. براین اساس، همبستگی آب و انرژی نیازمند توجه جدی در مدیریت، برنامه‌ریزی و ساختار حکمرانی است.



Fig. 5- Subsidence in Hamedan (Bakhoda, 2018)  
شکل ۵- فرونشست زمین در همدان (Bakhoda, 2018)



از سویی دیگر، کشاورزی بزرگ‌ترین کاربر آب است و بین ۷۰ تا ۹۰ درصد آب شیرین جهان برای کشاورزی برداشت می‌شود (IRENA, 2015). همچنین آب در سرتاسر زنجیره غذایی از جمله فرآوری، توزیع و مصرف مورد استفاده قرار می‌گیرد و امرار معاش مردم زیادی به کشاورزی وابسته است. کشاورزی هم علت و هم قربانی آلودگی آب است. افزودن کود به زمین‌های کشاورزی برای تولید محصولات بیشتر در کنار استفاده از آفت‌کش‌ها و سموم شیمیایی باعث آلودگی آب شده است. فاضلاب و آب‌های سطحی آلوده و آب‌های زیرزمینی برای مصارف آبیاری مورد استفاده قرار می‌گیرند که می‌تواند محصولات کشاورزی را آلوده کند و بیماری را به مصرف‌کنندگان و کشاورزان انتقال نمایند.

نکته حائز اهمیت آن است که برای تبیین مؤلفه‌های بُعد فرابخشی امنیت آبی، در مقیاس‌های فروملی، ملی یا فراملی ضروری است به هفت سطح توجه شود. این سطوح عبارتند (اصلاح شده (Barjeste et al., 2020)): از ۱) ارزش‌ها برای شناخت بهتر از جامعه پیرامونی؛ ۲) هنجارها برای شناخت قوانین؛ ۳) سیاست‌ها؛ ۴) برنامه‌های موجود؛ ۵) تخصص‌های فنی و مدیریتی موجود؛ ۶) فیزیک و طبیعت پیرامونی و ۷) نظام پایش و یادگیری. این مؤلفه‌ها می‌توانند در هر مطالعه و مقیاسی منحصر به فرد باشند.

درک فرابخشی بودن امنیت آبی در مقیاس‌های بین‌المللی نیز بسیار حائز اهمیت است. زیرا در مقیاس بین‌المللی، غالباً هر یک از کشورهای ساحلی در حوضه‌های آبریز مشترک فرامرزی بطور عمده به صورت جداگانه و بدون توجه به نیازهای طرف مقابل در صدد تسلط بیشتر بر «منابع آبی» برای تأمین امنیت آبی، امنیت غذایی، امنیت انرژی، امنیت اقتصادی و حفظ محیط‌زیست خود هستند. از این روی، عمدتاً حکمرانی منابع آبی در حوضه‌های آبریز مشترک فرامرزی بصورت بخشی صورت می‌گیرد و به رویکرد تقلیل‌گرایی<sup>۸۱</sup> منتج می‌شود. در رویکرد تقلیل‌گرایی، برخلاف رویکرد کل‌گرایی، ارتباط تعاملات بین بخش‌های مختلف دیده نمی‌شود و به همین دلیل عمدتاً هر یک از کشورهای ساحلی به امنیت بخش‌های مختلف طرف دیگر توجهی ندارند که این مسأله منجر به شکل‌گیری رقابت و در نتیجه مناقشه بین آن‌ها شده و چالش‌های متعددی در سیاست‌گذاری منابع طبیعی از جمله آب شکل می‌گیرد. درک فرابخشی بودن حکمرانی آب‌های فرامرزی می‌تواند تعاملات مستحکمی بین کشورهای ساحلی برقرار سازد و توجه به تعاملات بین بخش‌های آب، غذا و انرژی و اثر مستقیمی که این پیوند بر نحوه تخصیص منابع آبی مشترک فرامرزی دارد، می‌تواند پتانسیل خوبی برای مواجهه با رقابت‌ها و مناقشات آب‌های مشترک و تبدیل آنها به فرصتی برای مشارکت و همکاری

پایدار باشد.

## ۵- بازتعریف امنیت آبی

بنابر آنچه در این مقاله مطرح شد، برای تحلیل امنیت آب و محیط‌زیست، ارائه شاخص‌های کلی نمی‌تواند تأمین‌کننده امنیت برای ذی‌مدخلان باشد؛ بلکه نیاز است امنیت آب و محیط‌زیست در هر زمان و هر مکانی با توجه به چهار بُعد عینی، بُعد اجتماعی، بُعد سیاسی و بُعد فرابخشی بازتعریف گردد و متناسب با این ابعاد، پس از آن شاخص‌های مناسبی در هر مقیاس تعریف شود. بُعد عینی در قالب شاخص‌های عینی تبلور می‌یابد. این بُعد عمدتاً توسط محققان، تحلیل‌گران و مؤسسات پژوهشی مورد توجه قرار می‌گیرد که باید معیارهای فنی را برآورد کنند. بُعد اجتماعی مبین آن است که شاخص‌های حاصل از بُعد عینی باید در پیوند با ایدئولوژی، ارزش‌ها و هویت‌های جوامع تبیین شود.

در بُعد سیاسی به بررسی منش امنیتی‌سازی و امنیتی‌زادگی برای مدیریت امنیت می‌پردازد و نشان می‌دهد مطلوب امنیتی‌سازی یا امنیتی‌زادگی در هر زمان و مکان چیست و هشدار می‌دهد که اتخاذ امنیتی‌سازی یا امنیتی‌زادگی می‌تواند به مثابه منش مدیریتی کارگشا باشد، اما لزوماً امنیت را در بر ندارد. بُعد فرابخشی نیز مبین آن است که درهم‌تنیدگی مسائل آبی با مسائل اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و امنیتی سبب شده است که حکمرانی مسائل آبی تنها به بخش آب محدود نشود. بسیاری از محرک‌ها در استفاده از آب، از خارج از بخش آب بر حکمرانی و مدیریت این منبع اثرگذار هستند. لذا فرآیندهای سیاست‌گذاری و مدیریتی در این حوزه اغلب تحت تأثیر تصمیم‌های اتخاذ شده در بخش‌های دیگر نیز قرار می‌گیرند. از این روی، با توجه به هفت سطح مطرح شده در بُعد فرابخشی، نیاز است این بُعد نیز در بازتعریف مؤلفه‌های امنیت آبی مدنظر قرار گیرد. ضروری است در سیاست‌گذاری آب و محیط‌زیست برای نیل به امنیت آبی شاخص‌های عینی بر اساس هر چهار بعد بازتعریف گردند. در جدول ۳ مؤلفه‌های اثرگذار در سیاست‌گذاری آب برای نیل به امنیت آبی ارائه شده است.

براین اساس، برای بازتعریف سیاست‌گذاری برای نیل به امنیت آب و محیط‌زیست در هر مطالعه موردی در قالب ابعاد چهارگانه، نیاز است علاوه بر مؤلفه‌های عینی به مؤلفه‌های چهارگانه ذیل نیز توجه شود:

- ۱- توجه به نقش هویت‌های برساننده مناسبات آبی که تعریف‌کننده منافع بازیگران هستند؛
- ۲- توجه به حداقل‌خواسته‌ها و داشته‌ها (آسیب‌های وارده) و ضریب ایدئولوژی ذی‌مدخلان؛

**Table 3- Effective components of policy-making for achieving water security**  
**جدول ۳- مؤلفه‌های اثرگذار در سیاست‌گذاری آب برای نیل به امنیت آبی (مرجع: مطالعه حاضر)**

Dimensions	Components
Objective	The availability of an acceptable quantity and quality of water for health, livelihoods, ecosystems Coping with water-related risks for reducing the threat to environments, and economies
Social	State and Nations' Identities Ideology of Stakeholders
Political	Securitization and Desecuritization
Cross-Sectoral	Water-Food-Energy Nexus

محیط‌زیست نیازمند نگرشی جامع است که بتواند هر چهار بُعد عینی-اجتماعی-سیاسی-فرابخشی را مد نظر قرار دهد. آنچه که باعث شده است که مسائل مرتبط به امنیت آب و محیط‌زیست در کشور ما به درستی مورد تحلیل و بررسی قرار نگیرد آنست که این مسائل عمدتاً تنها در بُعد عینی و با نگاه‌های صرفاً مهندسی و شاخص‌های صرفاً کمی و عددی مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته‌اند و مباحث انسانی، اجتماعی و سیاسی مسائل آب و محیط‌زیست مورد غفلت جدی خبرگان جامعه و سیاست‌گذاران قرار گرفته است. بر این اساس، باید تأکید کرد که مفهوم امنیت آب، یک مفهوم صرفاً کمی، فنی و مهندسی نیست که با یک سری اقدامات و برنامه‌های صرفاً فنی و مهندسی بتوان به آن دست یافت و ضروری است که مسائل اجتماعی و سیاسی و سیاست‌گذاری درهم‌تنیده نیز حتماً در دستور کار این مباحث قرار گیرند و با این نگاه نیاز است ابعاد چهارگانه امنیت آبی با توجه به شرایط طبیعی-انسانی هر حوضه و منطقه بازتعریف شود.

در این مقاله با نمونه مطرح شده از حوضه آبریز نیل نشان داده شد که در این حوضه آبریز علی‌رغم اینکه شاخص‌های بین‌المللی تنش آبی نسبتاً کمی را نشان می‌دهند (مناسب بودن مؤلفه‌های بُعد عینی)، اما در عمل عدم رضایت کشورها از وضعیت منابع آبی و بطور کلی احساس عدم وجود امنیت آبی در منطقه وجود دارد (نامناسب بودن سطح مؤلفه‌های بُعد اجتماعی)؛ تا جایی که اخیراً سران هر دو کشور اتیوپی (در بالادست رودخانه نیل) و مصر (پایین‌دست) اقدام به امنیتی‌سازی از مسأله تسهیم آب رودخانه نیل با هدف نیل به امنیت نموده‌اند (استفاده از رویکرد امنیتی‌سازی بُعد سیاسی). به همین دلیل هر یک از این کشورهای ساحلی به امنیت بخش‌های مختلف طرف دیگر توجهی ندارد که این مسأله منجر به شکل‌گیری رقابت و در نتیجه مناقشه بین آن‌ها شده و چالش‌های متعددی در سیاست‌گذاری منابع آبی حوضه آبریز نیل ایجاد نموده است (عدم توجه به بُعد فرابخشی). در حالی که درک فرابخشی بودن حکمرانی آب‌های فرامرزی می‌تواند تعاملات مستحکمی بین این کشورهای ساحلی برقرار سازد و توجه به تعاملات بین بخش‌های آب، غذا و انرژی و اثر مستقیمی که این پیوند

۳- شناسایی امنیتی‌سازی و امنیتی‌زدایی شدن طرح‌ها و اقدامات آبی که تنها با هدف اتخاذ دستاوردهای سیاسی صورت می‌گیرد؛

۴- توجه به همبست آب-غذا-انرژی و اثرگذاری و اثرپذیری سیاست‌های هر یک از این مؤلفه‌ها بر یکدیگر

### ۶- جمع‌بندی

در این مقاله مؤلفه‌های امنیت آبی در ذیل ابعاد چهارگانه «عینی-اجتماعی-سیاسی-فرابخشی» تبیین شد. همچنین نتایج مطالعه نشان داد که امنیت علاوه بر بُعد عینی، دارای بُعد ذهنی<sup>۸۲</sup> نیز هست. بُعد عینی امنیت آب و محیط‌زیست، آن چیزی است که شاخص‌های عینی بر آن دلالت دارند. در مقابل، بُعد ذهنی امنیت آب و محیط‌زیست به معنای «احساس شخصی» از امنیت این بخش‌ها بین تمامی ذی‌مدخلان آنها می‌باشد. بر این اساس، درحالی که شاخص مشخصی از امنیت آب در نزد بازیگری می‌تواند به عنوان تهدیدی امنیتی قلمداد شود، همان شاخص امنیتی نزد بازیگر دیگر می‌تواند مسأله‌ای عادی یا حتی در برخی موارد و مواقع فرصت نیز تلقی شود. همچنین احساس امنیتی که در ذهن شکل می‌گیرد لزوماً به منزله وجود امنیت نیست. به همین دلیل ممکن است احساس امنیت در بین جوامع و ذی‌مدخلان وجود داشته باشد یا بالعکس، احساس امنیت نباشد اما شاخص‌های عینی امنیت را نشان دهند و فرد در معرض بسیاری از تهدیدات ناشناخته باشد که ممکن است نسبت به آنها آگاهی و اطلاعی نداشته باشد. نظیر سیاست‌های تکنولوژی محوری که داشته‌های ذی‌مدخلان را افزایش می‌دهند و در کوتاه مدت احساس رضایت را برای آنها به همراه دارند اما در بلند مدت به سبب افزایش خواسته‌های آنها و محدودیت منابع ناامنی را رقم خواهند زد.

متأسفانه تاکنون تحلیل‌های مربوط به امنیت آب و محیط‌زیست تنها به بُعد عینی و صرفاً توسط متخصصان علوم طبیعی محدود شده‌اند. در حالی که شناخت و درک بین‌الذهانی بودن امنیت، که معمولاً در تبیین مسائل آب و محیط‌زیست مفقود واقع می‌شود، بسیار حائز اهمیت است. براین اساس، رسیدگی به (و نه لزوماً حل) مسائل درهم‌تنیده آب و

- 44- Wants  
45- Belongings  
46- Ideological Coefficients  
47- Hydraulic Mission  
48- Securitization Theory

۴۹- Copenhagen School = مکتب کپنهاگ، یکی از رهیافت‌هایی است که صرفاً بر مطالعات امنیتی متمرکز بوده و بر آن است تا مسائل سنتی امنیتی را به چالش بکشد و موضوعات تازه‌ای بر آن بیفزاید.

- 50- Bill McSweeney  
51- Identity and Security: Buzan and the Copenhagen School (1996)  
52- Barry Buzan  
53- Ole Waever  
54- Jaap de Wilde

۵۵- Existential Threat = تهدید وجودی به حدی از تهدید اشاره دارد که موجودیت را به خطر می‌اندازد و به همین خاطر، رسیدگی به آن در اولویت قرار می‌گیرد.

۵۶- در مکتب کپنهاگ «امنیت» معادل «فقدان تهدید» است.

- 57- Securitizing Actor  
58- Speech Act  
59- Discourse Analysis  
60- Contexts  
61- Austin  
62- How to Do Things with Words  
63- Politicization  
64- De-Securitization  
65- Violence  
66- Legitimate Option  
67- Security Dilemma

۶۸- معمای امنیت به وضعیتی اشاره دارد که در آن اقدامات دولت «الف» در جهت افزایش ضریب امنیتی خود، منجر به ایجاد سوءظن در نزد دولت «ب» شود و دولت «ب» افزایش امنیت دولت «الف» را تهدید امنیتی برای خود بیندازد.

- 69- Threat-Defense Mechanism  
70- Strategic Depth  
74- Ahmet Davutoğlu ( بیست‌وششمین نخست وزیر ترکیه و در زمان (رجب طیب اردوغان)  
75- Harmon  
76- HydroHegemony  
77- Non-HydroHegemony  
78- Trans-sectoral  
79- Interlinkage  
80- Holism  
81- Reductionism  
82- Subjective

## ۷- مراجع

Abdollahkhani A (2006) Criticizing the theory of securitization. Strategic Studies Quarterly 9(33):491-512 (In Persian)

Aiko E, Tsurita I, Burnett K, Orenco PM and Pedcris M O (2017) A review of the current state of research

بر نحوه تخصیص منابع آبی مشترک فرامرزی دارد، می‌تواند پتانسیل خوبی برای مواجهه با رقابت‌ها و مناقشات منابع آب مشترک حوضه آبریز نیل بین ۱۱ کشور ساحلی آن شود و تبدیل آنها به فرصتی برای مشارکت و همکاری پایدار باشد.

## پی‌نوشت‌ها

- 1- Problem Orientation  
2- Problem  
3- Hydropolitics  
4- Thinking Across Paradigms  
5- Negative Discourse  
6- Positive Discourse  
7- Threat  
8- Benefits  
9- Stakeholder  
10- FAO  
11- Access  
12- Objective

۱۳- تدوین‌کننده سیاست

- 14- Securitization  
15- Opportunitization  
16- Nationalization  
17- Coupled Human-Natural System  
18- Nexus  
19- Politics  
20- Constructivism  
21- Social Interaction  
22- Social Construction  
23- Non Material  
24- Ideology  
25- Values  
26- Norms  
27- Identity  
28- Culture  
29- Power  
30- Institution  
31- Reality  
32- Interactions  
33- Water Stress

۳۴- مفاهیم بین‌الذهانی اشتراک یا توافق بالفعل یا بالقوه اذهان مختلف در مورد چیزی، پذیرفتن فهمی مشترک در اذهان مختلف بدون گفتگو مستقیم هستند (Intersubjective)

- 35- As given  
36- Law-like  
۳۷- حوضه آبریز آمودریا در آسیای مرکزی شامل کشورهای افغانستان، تاجیکستان و قرقیزستان (به‌عنوان کشورهای بالادستی) و کشورهای ترکمنستان و ازبکستان (به‌عنوان کشورهای پایین‌دستی) است.  
38- Conflict-Oriented  
39- Cooperative-Oriented  
40- Nation-Building  
41- State-Building  
42- Frontiers  
43- Boundaries

- doctrine. *International Relations Research* 5(17):169-200 (In Persian)
- Darabi A (2015) Constructivism, a theoretical framework for explanation of Iran- United States Relations. *Foreign Policy* 29(2):33-52 (In Persian)
- Drews M, Mikkelsen PS, Bauer-Gottwein P, Vezzaro L, Davidsen C, Madsen H, Christiansen LE, and Larsen MAD (2016) Methodologies for managing the energy-water-food nexus at different scales. Technical University of Denmark (DTU)
- Eftekhari A (2013) Societal security: Islamic approach. Institute for Humanities and Cultural Studies (In Persian)
- FAO (1996) World Food Summit Plan of Action .
- FAO (2017) Does improved irrigation technology save water? A review of the evidence. Global, Near East & North Africa, Available at: <http://www.fao.org/3/i7090en/I7090EN.pdf>
- Farokhi M and Abbasi Ashlaghi M (2009) An analytical framework for security concept of constructivism. Institute for Political and International Studies Think Tank 2(6):71-95 (In Persian)
- Foroghi A, Najafi D, and Masoudnia H (2012) Impact of Iran's nuclear program, on Turkey's national security (In light of the theory of balance of power). *Strategic Research on Social Problems in Iran University of Isfahan* 1(2):69-84 (In Persian)
- Garashi Y (2014) The effect of securitization in islamic republic of iran foreign policy. Ph.D. Thesis, Allameh Tabataba'i University (In Persian)
- Garashi Y and Dehgani Firouzabadi J (2013) Theory and method in securitization studies. *Strategic Studies Quarterly* 15(58):7-42 (In Persian)
- Gassert F, Reig P, Luo T, and Maddocks A (2013) A weighted aggregation of spatially distinct hydrological indicators. Working paper, Washington, DC: World Resources Institute
- Gerlak AK, House-Peters L, Varady RG, Albrecht T, Zúñiga-Terán A, Grenade RR de, Cook C, and Scott CA (2018) Water Security: A Review of Place-Based Research. *Environmental Science and Policy* 82(1):79-89
- Ghoreishi SZ, Mianabadi H and Hajiani E (2020) The dimensions of hydraulic mission in Turkey's hydro politics. *Water Resources Management* 16(1):304-331 (In Persian)
- Ghoreishi SZ, Mianabadi H, and Shafaei SMM (2019) The role of power in water diplomacy. *Iran-Water Resources Research* 15(2):242-264
- on the water, energy, and food nexus. *Journal of Hydrology: Regional Studies*, 11:20-30
- Alavi SMA (2016) Search the securitization of the nuclear activities of the Islamic Republic of Iran by the pro-Israel lobby in America from the perspective of the Copenhagen School. *Strategic Research of Politics* 5(17):39-59 (In Persian)
- Anadolu Agency (2018) Turkish dam won't impact Iraq's water supply: Diplomat. Available at: <https://www.aa.com.tr/en/todays-headlines/turkish-dam-won-t-impact-iraq-s-water-supply-diplomat/1167403>
- Austin JL (1975) How to do things with words. Clarendon Press
- Azad Armaki T and Valiki A (2013) Sociological study around the conceptualization of national identity among Iranian intellectuals. *Quarterly Journal of Socio-Cultural Development studies* 2(1):9-35 (In Persian)
- Bahoosh Baradghi M (2017) National security from constructivist perspective. *Politic Quarterly* 4(14):101-112 (In Persian)
- Bakhoda A (2018) Kordabad Hamedan sinkhole. Mizan Online News Agency
- Bakhtiyari S, Tokaldany EA, and Fasihi Harandi M (2020) Hydraulic mission and its relation to Iran's water resources development. *Iran-Water Resources Research* 16(2):214-229 (In Persian)
- Bakker K (2010) Privatizing water: Governance failure and the world's urban water crisis. Cornell University Press
- Barjeste H, Ghoreishi SZ, and Mianabadi H (2020) Nexus approach in hydro politics of transboundary rivers. *Iranian Journal of Ecohydrology* 7(3):757-773 (In Persian)
- Barnhoorn A (2019) Securitising environmental challenges: The case of climate migration. M.Sc. Thesis, Wageningen University
- Buzan B, Waeber O, and Wilde J de (1998) Security: A New framework for analysis. Lynne Rienner Publishers
- Columba P and Vaughan Williams N (2010) Critical security studies: An introduction. Routledge
- Coskun B (2009) Analyzing desecuritisation: The case of Israeli and Palestinian peace education and water management. Institutional Repository, Ph.D. Thesis, Loughborough University
- Daneshnia F, Nazarpour D, and Salimi A (2015) Understanding Turkish new foreign policy in the framework of ahmet davutoglu's strategic depth

- Kalpakian J (2000) Identity, conflict and cooperation in international river basins. Ph.D. Thesis, International Studies, Old Dominion University
- Keskinen M, Guillaume J, Kattelus M, Porkka M, Räsänen T, and Varis O (2016) The water-energy-food nexus and the transboundary context: Insights from large Asian Rivers. *Water* 8(5):193
- Keskinen M and Varis O (2016) Water-energy-food nexus in large Asian River Basins. *Water* 8(10):446
- Keyvan Hosseini A and Emam Jome Zadeh R (2013) Theoretical explanation of “Soft Power” based on Ultra-“Nye” approach in applying “Immaterial Resources of Power” in foreign policy. *Theoretical Politic Reseache* 13(1):139-160 (In Persian)
- Kouzehgar-Kaleji V (2019) Political-economic considerations of Tajikistan’s Rogun dam and power plant. *Eastern Iran*, 3
- Lavelle M and Grose TK (2013) Water demand for energy to double by 2035. *National Geographic*, Available at: <https://www.nationalgeographic.com/science/article/130130-water-demand-for-energy-to-double-by-2035>
- Liu J, Yang H, Cudennec C, Gain AK, Hoff H, Lawford R, Qi J, Strasser L de, Yillia PT, and Zheng C (2017) Challenges in operationalizing the water–energy–food nexus. *Hydrological Sciences Journal* 62(11):1714–1720
- Lotfipour Saedi K (1992) An introduction to discourse analysis. *Journal of Linguistics* 9(1):9-39 (In Persian)
- Mazaheri MM and Molaee A (2014) Government, identity and foreign policy in the curent Iran (1925-2011). *Strategic Research of Politics* 2(7):125-146 (In Persian)
- Menga F (2016) Domestic and international dimensions of transboundary water politics. *Water Alternatives* 9(3):704–723
- Mirhashemi Dehkordi SS, Ghoreishi SZ, and Mianabadi H (2021a) Water, identity and social transformative. *Management of Social Transformations, UNESCO*
- Mirhashemi Dehkordi SS, Ghoreishi SZ, and Mianabadi H (2021b) Analyzing the complexity of “water and identity” in the Zayandehrood River Basin. *Social and Cultural Researches in Iranian Society Conference, Tehran, Iran*
- Mirumachi N (2010) Study of conflict and cooperation in international transboundary river basins: The TWINS framework. Ph.D. Thesis, King’s College London, University of London, United Kingdom
- Mirumachi N (2015) Transboundary water politics in the developing world. *Routledge*
- Greya D and Sadoff CW (2007) Sink or swim? Water security for growth and development. *Water Policy* 9(1):545–571
- Grigg NS (2019) IWRM and the nexus approach: Versatile concepts for water resources education. *Journal of Contemporary Water Research & Education* 166(1):24–34
- Gupta J and Pahl-Wostl C (2013) Global water governance in the context of global and multilevel governance: Its need, form, and challenges. *Ecology and Society* 18(4):1–10
- Gupta J, Pahl-Wostl C, and Zondervan R (2013) ‘Glocal’ water governance: A multi-level challenge in the anthropocene. *Current Opinion in Environmental Sustainability* 5(6):573–580
- GWP (2000) Integrated water resources management global water partnership Technical Advisory Committee (TAC) Global Water Partnership. NO.4. 5 Stockholm, Sweden
- Hagemann N and Kirschke S (2017) Key issues of interdisciplinary NEXUS governance analyses: Lessons learned from research on integrated water resources management. *Resources* 6(9):1–8
- Hopf T (2002) Social construction of international politics: Identities & foreign policies. *Cornell University Press*
- IEA (2012) World Energy Outlook 2012. Paris, France
- Iran Renewable Energy Association (2019) Location of steel and petrochemical plants. Available at: <http://irrea.ir/>
- IRENA (2015) Renewable energy in the water, energy and food nexus .
- Islam S and Susskind L (2018) Using complexity science and negotiation theory to resolve boundary-crossing water issues. *Journal of Hydrology* 562:589–598
- Iyob B (2010) Resilience and adaptability of transboundary rivers: The principle of equitable distribution of benefits and the institutional capacity of the Nile basin. Ph.D. Thesis, Oregon State University, United States
- Jepperson R, Wendt A, and Katzenstein P (1996) Norms, identity, and culture in national security. In: Katzenstein P (ed) *The Culture of National Security: Norms and Identity in World Politics*. New York: Columbia University Press
- Juvonen H (2015) Nexus for what? Challenges and opportunities in applying the water-energy-food nexus. Master Thesis, Aalto University, Finland
- Kahrl F and Roland-Holst D (2008) China’s water-energy nexus. *Water Policy* 10(1):1–16

- in central Asia. *Water Resources Development* 28(3):37–41
- Szalkai K (2012) Water issues are what states make of them: A constructivist approach to conflict and cooperation over trans-boundary. Central European University
- Terje S (2009) *Water, culture and identity: Comparing past and present traditions in the Nile Basin Region*. Bergen: BRIC
- Tork Ladani S and Moradi M (2015) A comparative study of the nationalization of the oil industry and nuclear factor from the perspective of foreign and international system in the form of Rvzkrans and Kaplan. *International Relations Research* 5(16):135–170 (In Persian)
- UN-Water (2012) *Water security & the global water agenda a Un-water analytical brief* .
- UNESCO-IHP (2017) *IHP-VIII water security. Responses to local, regional and global challenges (2014-2021) Themes and Focal Areas*, Available at: [www.unesco.org/water/ihp](http://www.unesco.org/water/ihp)
- Waever O (1995) *Securitization and desecuritization*. In: Lipschutz RD (ed) *On Security*. Columbia University Press, 31, Available at: <http://www.ciaonet.org/book/lipschutz/lipschutz13.html>
- Waever O (2003) *Securitisation: Taking stock of a research programme in security studies*. Mimeo 1–36
- Ward FA and Pulido-Velazquez M (2008) *Water conservation in irrigation can increase water use*. Proceedings of the National Academy of Sciences of the United States of America, 18215–18220
- WaterAid (2012) *Water Security Framework* .
- Weitz N, Strambo C, Kemp-Benedict E, and Nilsson M (2017) *Closing the governance gaps in the water-energy-food nexus: Insights from integrative governance*. *Global Environmental Change*. Pergamon 45:165–173
- Wendt A (1994) *Collective identity formation and the international state*. *American Political Science Review* 88(2):96–384
- Wendt A (1999) *Social theory of international politics*. Cambridge University Press
- Wessels JI (2016) “Playing the game”, identity and perception-of-the-other in water cooperation in the Jordan river Basin. *Hydrological Sciences Journal* 61(7):1323–1337
- Wight C (2006) *Agents, structures and international relations*. Cambridge University Press
- World Economic Forum (2015) *World economic forum global risk report*
- MoshirZadeh H (2004) *Constructivism as a metatheory for international relations*. *Politic Quarterly* 65(1):113-142 (In Persian)
- Najafi Ivaki A, Rasoulnia A, and Kaveh Nooshabadi A (2017) *A textual study of al-shiqshiqiyya sermon emphasis on searle`s speech act theory*. *Quarterly Journal of Nahj al-Balagha Research* 5(19):1-17 (In Persian)
- Nhamo L, Ndlela B, Nhemachena C, Mabhaudhi T, Mpandeli S, and Matchaya G (2018) *The water-energy-food nexus: Climate risks and opportunities in Southern Africa*. *Water* 10(567):1–18
- Pfeiffer L and Lin CYC (2014) *Does efficient irrigation technology lead to reduced groundwater extraction? Empirical evidence*. *Journal of Environmental Economics and Management* 67(2):189–208
- Porter G and Welsh Brown J (1991) *Global environmental politics*. Canadian Mennonite University
- Rasul G (2014) *Food, water, and energy security in South Asia: A nexus perspective from the Hindu Kush Himalayan Region*. *Environmental Science and Policy*, Elsevier Ltd 39(1):35–48
- Rezadoust K, Nabavi SA, and Salehi SN (2015) *The effect of social and psychological factors on happiness (Case study: 16-18 years old students of Ahvaz)*. *Journal of Applied Sociology* 4(10):103-115 (In Persian)
- Rostami I (2015) *Analysis of elements of Iranian national power from the perspective of the school of Realism, with emphasis on the theory of Hans J Morgenthau*. Ph.D. Thesis, University of Tehran, Iran (In Persian)
- Sadoff C, Grey D, and Borgomeo E (2020) *Water security*. *Oxford Research Encyclopedia, Environmental Science*. Oxford University Press USA, 139–201
- Shab Azar MT, Najm Abadi M, and Bakhsi Telyabi R (2017) *The place of security in the school of copenhagen: A framework for analysis*. *Political Science Quarterly* 13(40):119-146 (In Persian)
- Shafiee N and Rezaei F (2012) *Analyzing constructivism theory*. *Politic Research Quarterly* 1(4) (In Persian)
- Siddiqi A and Anadon LD (2011) *The water-energy nexus in middle East and North Africa*. *Energy Policy*, Elsevier 39(8):4529–4540
- Smith KB and Larimer C (2018) *The public policy theory primer*. Taylor & Francis
- Stucki V and Sojamo S (2012) *Nouns and numbers of the water – energy – security nexus in central nouns and numbers of the water – energy – security nexus*

- Zeitoun M (2007) Palestinian-Israeli water: Secure or violated securitization, opportunitisation and Violation along the Jordan River. In: Shuval H and Dweik H (eds) Water Resources in the Middle East. Springer-Verlag Berlin Heidelberg, 213–225
- Zekri E (2017) Evaluating water security indicators at the level of the main river basins. Master Thesis, University of Tehran, (In Persian)
- Zarezadeh Abarghoei R (2017) Securitization from copenhagen perspective: Theories and challenges. Scientific Journal of Security Horizons 10(36):90-120 (In Persian)
- Zargarpour R, Nourzad A (2010) A conceptual model of integrated water resources management for national water security. Iran-Water Resources Research 5(3):1-13 (In Persian)